نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
www.afsaran.ir
سال دوم - شماره نوزدهم
سه شنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۳

نشریه افسران

شبهایی که جهان بسان غزه خواب ندارد

غرب وحشی

چرا رهبری باید دخالت کند؟

منش فرهنگی و سیاسی شیعه

مصاحبه با مدیر افسران
حجت ملکی

برای حضرت باران

دلنوشته ای از:
sepehra

ماه خدا که از پس ابرهای آسمان پدیدار می شود
در پیِ پیوندِ سحر، تا آن سوی مرز خورشید،
هزاران فرشته می درخشند...
فرشته ها نور در نور، با بالهای رنگین کمانی پر گشوده اند...
تا از انتهای ابدیت، ستارگانِ زمین را رصد کنند...
ستاره هایی که، بر سرِ سفره های افطار و سحر...
در ربناهای پر از شور و اثر...
و در ختم های مصحف شریفِ هر روزه برای سلامتی دلبر...
در دلشان، آرزویی جز طلوع خورشید روی تو نیست...
کسی چه میداند؛ شاید همین روزها تو بیایی
و این ضیافت مهربانی؛ آغاز راهِ ما شدن باشد...
کاش این شب قدر، همان آخرین شب قدر انتظارها باشد...
همان شبی که آمدن تو، در آن مقدر می شود؟
و خدا می داند که چقدر،
قدرها، آمده اند و رفته اند بی حضور(ظهور) تو...
و تو، نا امید از دعاهای خالص و پاک،
چشم های مبارکت را دوخته ای به اوج افلاک...
و دعا کردی که بیایی... فقط برای درمان دردهای اهل خاک...

فهرست

برای حضرت باران ۲
سرمقاله ۴
کلام امام ۵
کدام توافق؟ کدام برد؟ ۶
اینفوگرافی:مبارزه،رمز ماندگاری ۷
چرا رهبری باید دخالت کنند؟ ۸
تصاویر مذاکرات وین ۹
آدرس غلط ۱۰
ولایت بدون سانسور ۱۱
نگارستان ۱۲
غـرب وحـشـــی ۱۳
شبهایی که جهان به سان غزه خواب ندارد ۱۵
جریان شناسی رسانه (روزنامه رسالت) ۱۶
منش فرهنگی و سیاسی شیعه ۱۷
حوریانی پرده نشین در خیمه ها ۱۸
کلیپ های تصویری ۱۹
وصیتنامه یک شهید ۲۰
خاکیان افلاکی (خواستگاری) ۲۱
بهائیت در ایران ۲۲
روز قدس در جهان اسلام ۲۴
تصاویر راهپیمایی های روز قدس ۲۵
کلیپ های صوتی ۲۶
مصاحبه با یک مولتی یوزر ۲۷
صفحه تولیدات طنز ۲۸
اخبار افسران ۲۹
داستانک ۳۰
اینفوگرافی (حرفی برای تمام فصول) ۳۱
مصاحبه با مدیر افسران ۳۲
احکام ۳۷
اشعار افسرانی ۳۸
برگی از بهشت ۳۹
دلنوشته ۴۰

سـردبیـر..... Baran

همکاران این شماره..... Arezou
Afsarejavan
Alitanhha
Azadandish
Baran
Ghalandar
Hamase
Infoshahmad
Mahdiyar85
Mahdiyar7
Miladps3
Mim. z
Matinemami
Parvaz77
Parasto
Radiomoghat
Sepehra
Setia
Shiaart

نویسندگان افتخاری..... Salman56
Senator0011

گروه طراحی..... Miladps3
Shiaart
Nahaq

رایانامه: nashrie_afsaran@mihanmail.ir
وبلاگ : nashriye-afsaran.mihanblog.com

نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
سه شنبه ۳۱ تیر ماه ۱۳۹۳

بسم الله الرحمن الرحیم

جام جنایت جهانی !!!

«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانتَصَرُوا مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ»

«مگر آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و خدا را فراوان یاد کردند و چون مورد ستم واقع شدند انتقام گرفتند و ستمکاران به زودی خواهنددانست که به چه مکانی باز می گردند»

به نظر می رسد افرادی که چند دهه پیش برای نشاط جامعه بشری و ورزش کردن، جام جهانی فوتبال را بنیان گذاشتند امروز اگر زنده می بودند از کرده خود پشیمان می شدند درست همانند انیشتین که نظریه اش خرج ساخت بمب اتم توسط آمریکا شد و همین شد که خود در صف اول مبارزه با سلاح هسته ای پیوست .

سر هم کردن این پازل کار چندان سختی نیست ،جای دور نرویم در سال ۱۹۹۸ جام جهانی در بحبوحه جنگ اسرائیل و لبنان بر گزار شد تا قصاب بزرگ ،شارون به جنایتش ادامه دهد . سال ۲۰۰۲ مردم سرگرم تماشای جام جهانی بودند و امریکا و متحدان در افغانستان ، سرگرم مبارزه با تروریسم (همان فرزندخوانده خودشان)و دلالان یهودی سرگرم تجارت انسان ! سال ۲۰۰۶ که به خاطر داریم مزه شیرین شکست اسرائیل از مقاومت لبنان را و مزه تلخ جنایت قانا را ، سال ۲۰۰۹ جنگ ۲۲ روزه اتفاق افتاد و در سال ۲۰۱۲ اندکی بعد از المپیک جنگ ۸ روزه و اکنون در سال ۲۰۱۴ جنگ دیگری به پا کردند .

همانطور که از شواهد پیداست به علت بیداری و ابراز انزجار مردم اگاه در سرتاسر جهان از جنایت اسرائیل و مظلومیت مردم فلسطین ، ایالات متحده زمانی که نظر مردم جهان به رویدادی خاص متمرکز شده (مثل جام جهانی) به فرزند نامشروع خود در غرب اسیا (یعنی اسرائیل) اجازه جنایت می دهد تا بلکه شیخ نشین های خلیج فارس خیال خام برشان ندارد که به سمت ایران متمایل شوند و همچنان مبهوت قدرت پوشالی ارتش اسرائیل شوند ، همان ارتشی که در ۶ روز ۶ کشور عربی را شکست داد .

مردم جهان از گل های مسی لذت می برند و از کمر شکسته نیمار ناراحت اند و اشک می ریزند ، اما دریغ از یک قطره اشک برای حسین ابو خضیر ! هفتایی شدن برزیل خیلی بهت آورتر از شنیدن زنده زنده سوزاندن این نوجوان ۱۷ ساله است ، مهم تر از شنیدن ذبح کردن های داعش در عراق و سوریه است و کجاست آن ابر مرد تاریخ که به اجداد همین مردمان در کوفه و الانبار بگوید اگر خلخال از پای زنی یهودی در آورند و مرد مسلمانی بشنود و دق کند و بمیرد من از او خرده نمی گیرم .

اینهمه شاهد برای جنایت استکبار در فلسطین ، در عراق ، در یمن ، پاکستان و افغانستان ، در نیجریه بوکوحرام را می آورند و در سودان و اتیوپی مسمانان را بدون هزینه ، با گرسنگی می کشند و در افریقای مرکزی مسمانان را قصابی می کنند و عده ای هنوز در تشخیص حق در مانده اند !

هنوز یادمان شعار نرفته «نه غزه نه لبنان» اذناب استکبار را ، همان ها که اگر مرزهای کشور تهدید شود پاسپورت و گرین کارت به دست فرار می کنند و همان «هم غزه و هم لبنان» ی ها از کشور دفاع خواهند کرد.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

و ما در زبور پس از تورات نوشته ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد

نویسنده : hamase

کلام امام

وَلَن تَرْضَي عَنکَ الْيَهُودُ وَلاَ النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ(بخشی از آیه ۱۲۰ بقره)
و هرگز یهود و نصاری از تو خشنود نمی‌شوند تا از آیین آنان پیروی کنی

«آمریکایی‌ها به خوبی می‌دانند که تولید بمب اتم در ایران افسانه است و هیچ واقعیتی ندارد. آنها در واقع ازشکل گرفتن ایران قدرتمند مستقل اسلامی، پیشرفته و برخوردار از فن‌آوری‌های مدرن نگرانند و سعی می‌کنند با جار و جنجال، راه پیشرفت ملت ایران را سد کنند و این کشور را همیشه نیازمند خود نگه دارند.... انرژی هسته‌ای فقط بهانه است. اگر این بهانه هم نباشد، آمریکایی‌ها برای توطئه‌چینی بر ضدملت ایران، مسائل دیگری همچون حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر را بهانه می‌کنند.»

فروردین ۸۴

« تحریم ها از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی وجود داشته است، در حالی‌که موضوع هسته ای، مربوط به چند سال اخیر است، بنابراین مشکل اصلی آن‌ها، ملتی است که تصمیم گرفته مستقل باشد، زیر بار ظلم نرود و ظالم را افشا کند و این پیام را به همه ملت‌ها نیز بدهد که این کار را انجام داده است و بیشتر هم انجام خواهد داد.»

اسفند ۹۰

«اگر لجبازی آنها نبود، موضوع هستهای براحتی حل میشد. بارها تا لحظه‌ی حل پیش رفتیم، امضاء کردند، آژانس هستهای امضاء کرد؛ قبول کرد که این اشکالاتی که وجود داشته، برطرف شده - اینها موجود است، اینها سند است؛ اینها که قابل انکار نیست - خب باید قضیه تمام میشد، پروندهی هستهای کشور باید پایان پیدا میکرد. آمریکائی‌ها بلافاصله یک چیز جدید را مطرح کردند، آوردند وسط. نمیخواهند قضیه تمام شود.»

تیر ۹۲

« بنده همچنان که گفتم خوشبین نیستم؛ من فکر نمیکنم [از]این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملّت ایران انتظار دارد، به‌دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه‌ی تجربی ملّت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد امّا لازم است ملّت بیدار باشد.»

آبان ۹۲

«بعضی از مسئولین و دولتمردان - دولتمردان آن دولت، بعد هم دولتمردان این دولت - فکر میکنند در قضیّه‌ی هسته‌ای ما با آمریکایی‌ها مذاکره کنیم [تا] موضوع حل بشود؛ گفتیم خیلی خب، اصرار دارید شما، در این موضوع بالخصوص بروید مذاکره کنید؛ ولی در همان سخنرانی اوّل امسال گفتم من خوشبین نیستم؛ مخالفتی نمیکنم امّا خوشبین نیستم. ببینید مرتّب پی‌درپی اظهارات سخیف آمریکایی‌ها را؛ سناتور بی‌آبروی آمریکایی از صهیونیست‌ها پول میگیرد تا برود در مجلس سنای آمریکا به ملّت دشنام صریح بدهد، نه اینکه اهانت کند؛ دشنام میدهد. رؤسای کشورشان هم همین‌جور، در سطوح مختلف به ملّت ایران [اهانت کند]»

بهمن ۹۲

جمع آوری توسط: afsarejavan

کـــدام توافـــق ؟!
کـــدام بـــُـرد ؟!

توافق برد- برد معنا ندارد

وقتی رئیس جمهور کاسه بندزن ها و سد سازها و مهندسین عمران و معماری را به تحدی دعوت کرد و موضوع تحریم ها را با کاسه شکسته و ساختمان در حال فرو ریختن و تِرک برداشتن سد تشبیه می کند کمی مشکوک میشوم به اینکه چه شد تحریم های ۳۵ ساله با مذاکرات ۱۰ ساله در مدت ۶ ماه متزلزل شد؟!
نه حقوقدان هستم و نه قهرمان دیپلماسی و نه دیپلمات اما معنای کلام و واژه ها رو خوب می فهمم. مقدمات و اصل توافقنامه ایران با ۵+۱ در موضوع صنعت هسته ای ایران، دارای وجوه بسیاری است که هر کس به مناسبت به آن پرداخته اما برای فردی که سیاسی و سیاسی نویس نیست چالشهای ذهنی زیادی را ایجاد کرده.

مدتی قبل رایان کاستلو، کارشناس مسائل ایران و امریکا، در آخرین تحلیل خود اظهار داشت:
اگرچه گفتگوها پیرامون مناقشه ی هسته ای ایران در ظاهر فنی است اما در حقیقت این مسئله کاملا سیاسی بوده و به همین دلیل، توافق برد ـ برد در آن معنا ندارد... و بُرد هرکدام از طرفین، قطعا شکست طرف مقابل خواهد بود ... !

توافق

اصطلاح توافق، اسم مصدر (عربی) در فرهنگ لغات به معنی «اتفاق کردن در رأی» و «مطابق و سازگار شدن با رأی طرف مقابل» است...
تا اینجا مشکلی با توافق نامه هسته ای ندارم و توافقنامه با توجه به ضمانت ها، الزامات و تعهدات به معنای حقیقی کلمه به معنی اتفاق کردن در یک رای و مطابق و سازگار شدن با رای طرف مقابل بوده .
اما وقتی تناقض گویی طرفین را در دستاورد های توافقنامه کذایی می بینم معانی توافق دچار لغزش می شود و در حد یک عهدنامه تنزل پیدا می کندو تبدیل به یک ضمانت یک طرفه و سر سپردن به نظریه و آراء طرف مقابل مذاکره می شود. چرا ..؟!

برد برد

در مذاکره تجاری، تفکر تاجر ماهر اینطوره که در یک معامله، همیشه اول باید دنبال رسیدن به یک منفعت شخصی بود و در آخر به فکر سود طرفینی تا بالاخره به یک سود حداقلی برسیم مانند عقود شرعی مضاربه و جعاله که منفعت طرفینی به شرایط خاص خود لحاظ شده که از ابتداء طرفین معامله حتی بدون توافق نیز هیچ ضرری را متحمل نمی شوند.

اما
وقتی شخصی حقی را از یک نفر تصرف می کند و مانع از نفع شخص شد و ضرر قابل اعتنایی با این تصرف به فرد وارد کرد، باز هم مذاکره برای یک منفعت دوطرفه معنا پیدا می کند؟

با پیوستن رسمی ایران به (آژانس بین‌المللی انرژی اتمی IAEA) و پذیرفتن معاهدات، تمام حقوق در موضوع هسته ای ایران، از طرف مرجع اصلی رسیدگی به موضوعات هسته ای کشورهای جهان ثابت شده است. چگونه ایران برای رسیدن به حقوق خود در پی یک مذاکره برد ـ برد است، در حالی که برد طرف متخاصم به معنی ضرر و نرسیدن به حقوق ایران خواهد بود؟!

برد در مذاکرات منفعتی، به معنی رسیدن به سودی که از قبل برای شخص نبوده که در مقابل آن باخت قرار دارد در حالی که در توافقنامه ژنو رسیده به حقوق حداقلی غیر ثابت در مقابل واگذاری حقوق حقه یک ملت به طور کامل بوده.
مذاکره برای رسیدن به منافعی که حق شخص محسوب میشه معنایی ندارد چه برسه به این که دنبال یک منفعت طرفینی هم باشیم و در اینجاست که استقامت و مبارزه برای رسیدن حق معنا پیدا میکنه و در آخر نرمش قهرمانانه ...

برگردیم به اظهارات رایان کاستلو، کارشناس مسائل ایران و امریکا که گفته بود: در تئوری، صادرات کالاهای انسان دوستانه به ایران قانونی است اما تحریم‌های همه جانبه ی اعمال شده تقریباً بر کل بخش بانکی ایران، این کار را یا بسیار دشوار یا در عمل غیرممکن کرده است؛ و این یکی از روشن ترین دلایل برای اثبات این مدعا است که توافقات اینچنینی را نمی توان به معنای بُرد تلقی کرد زیرا چیزی که در ظاهر یک پیروزی برای ایران عنوان می شود پوسته ای خوش نقش ولی بدون محتوای مناسب است! بدین معنی که تحریم ها روی کاغذ برداشته شده یا تخفیف داده شده اند اما در عمل امکان محقق شدن آن وجود ندارد.

نکته مهم:

اون وقت میان میگن چرا مردم برای باخت سه بر یک تیم ملی ایران توی جام جهانی میریزن بیرون شادی و دست افشانی (رقص) می کنند ...؟!
خب برادر من از منطق مذاکره استفاده کردن ... هی فکر می کنن بردن!

نویسنده : matinemami
لینک افسران: ۶۳۹۲۳۶

گرافیـــک اطاع رســـان

«کار مـن و شـما ادامـه‌ی آن مبـارزه اسـت، و بـدون مبـارزه نمیتوانیـد بـه آن هدفهـا دسـت پیداکنیـد؛ علـت هـم معلـوم اسـت؛ علـت ایـن نیسـت کـه نظـام جمهـوری اسـلامی یـک نظـام جنگ‌طلـب اسـت؛ نـه، به‌هیچ‌وجـه قضیـه ایـن نیسـت. شـما وقتـی از یـک منطقـه‌ای در دریـا کـه در آنجـا دزدان دریایـی مسـتقرند، میخواهیـد بـا کشـتی عبـور کنیـد، بایـد مجهـز باشـید؛ طبیعـت کار ایـن اسـت. بایـد بتوانیـد از خودتـان دفـاع کنیـد، انگیـزه‌ی دفـاع داشـته باشـید؛ اگـر انگیـزه‌ی دفـاع نداشـته باشـید، سرنوشـت شـما معلـوم اسـت: لخـت میشـوید، آواره میشـوید، کشـتی از دسـتتان میـرود، جـان شـما هـم یـا نابـود خواهـد شـد یـا بـا ذلـت و اسـارت باقـی خواهـد مانـد؛ مسـئله در دنیـا ایـن اسـت. »

بیانات امام خامنه ای در دیدار با نمایندگان مجلس ۴/ ۳/ ۱۳۹۳

میتواند اندازه اصلی را از نشانی زیر مشاهده کنید:

http://farsi.khamenei.ir/ndata/news/26767/B/0126767_13930403.jpg

چرا رهبری باید دخالت کنند؟

شانزدهم تیرماه ۹۳

رهبر فرزانه انقلاب سخنان مهمی در جمع مسئولین نظام ایراد و ضمن ابراز اعتماد به تیم مذاکره کننده هسته ای فرمودند: «ما به تیم مذاکره کننده مان اعتماد داریم. مطمئنّیم یقیناً آنها به دست اندازی به حقوق کشور و حقوق ملّت و کرامت ملّت راضی نخواهندشد و اجازه نخواهند داد که چنین کاری انجام بگیرد.»

صبح روز بعد عراقچی خطاب به رهبری و ملت ایران گفت: «به رهبری و ملت ایران اطمینان می‌دهیم از هیچ یک از حقوق هسته‌ای کوتاه نخواهیم آمد.»

اخبار فوق، هر ایرانی را غرق در شور و شعف می کند؛ لیکن یادآوری خاطره تلخ برنامه مشترک اقدام، دل شوره را جایگزین شادی می نماید. می پرسم مگر تعلق مذاکره کنندگان توافق ننگین ژنو، به کهکشان دیگری بود؟ مگر نبود همین تیم، که خطوط قرمز نظام را برای دستیابیِ «توافق به هر قیمتی» زیر و رو کرد؟

سخنان عضو تیم سابق هسته ای شیخ حسن روحانی را که می بینی؛ همان ذره امید باقی مانده هم تبدیل به یاس می شود! مصلحی وزیر اسبق اطلاعات در خصوص وی گفت؛ هرچند حسین موسویان از اتهام جاسوسی تبرئه شد؛ لیکن از نظر ما همچنان جاسوس است. نمی خواهم قوه قضائیه را زیر سوال ببرم، قوه قضائیه بر اساس قوانین خود که شاید ضعف و اشکالی در آن باشد عمل کرده؛ لذا تبرئه وی دلیلی نیست که جاسوس نباشد. بر اساس اسناد ما ایشان جاسوس است.

موسویان دو روز قبل از بیانات رهبری، در مصاحبه با روزنامه شرق علی رغم چند مورد مثبت؛ نکاتی می گوید که عرق سرد بر پیشانی نقش می بندد: «تاکتیک مذاکرات در دوره ایی که من حضور داشتم، با تاکتیک مذاکرات این دوره کاملا مشابه است؛ با یک تفاوت که در دوره ۸۴-۱۳۸۲ من حضور داشتم!»

امروز بر کسی پوشیده نیست؛ تاکتیک مذاکرات آن دوران، منجر به عقب نشینی محض، التماس به غرب برای نگه داشتن سه چهار سانتریفیوژ، دخیل کردن البرادعیِ اجنبی در جناح بندی های داخلی، تعلیق و عقَب افتادن تمامی کارها، درز اطلاعاتی که منجر به شناسایی شهدای هسته ای برای سرویس های اطلاعاتی دشمن شد، و خلاصه وادادگی تمام عیار بود، آن دوران.

با این حال موسویان اذعان می کند: «توافق مقدماتی همان چهارچوبی است که پس از حدود ۱۵ ماه مذاکره با سه کشور اروپایی در بهار ۱۳۸۴ ، ما به آنها پیشنهاد کردیم» و در ادامه می آورد ایران که به دنبال بمب هسته ای نیست، بنابر این پروتکل الحاقی را هم اجرا کند!

وی با نادیده انگاشتن امتیازات واگذار شده در برابر وعده های نسیه توافق ژنو می گوید: «اما برای اجرای پروتکل الحاقی هم، ایران باید امتیاز هم وزن و متقابل بگیرد. از نظر من چنین امتیاز اتی باید درمورد رفع تحریمها و گشودن درهای جهان برای همکاری صلح آمیز هسته ای با ایران باشد!»

نمی دانم خط تسامح عزتِ نفس را چگونه ترجمه می کند. اما مگر عقب نشینی های فاحش توافق ژنو کم بود؛ که حالا پروتکل الحاقی را هم، مفت و مجانی روی آن گذاشته و قصد تحمیلش به مردم دارند؟ تنها تعلیق غنی سازی بیست درصد برابر بود با رفع همه ی تحریم های بانکی و تحریم نفت، چه رسد به نابودی ذخایر غنای ۲۰ درصد. حالا موسویانی که پس از صدور حکم دادگاه انقلاب؛ ایران را به مقصد امریکا ترک گفت و با سلام و صلوات مورد استقبال دشمن دیرینه این مملکت قرار گرفت؛ همانند ظریف و عراقچی برگ های برنده ی واگذار شده در توافق ژنو را، هیچ می انگارد و ادعا می کند؛ در قبال پروتکل الحاقی، تحریم ها را بردارند!

نمی دانم کدام خط فکری برای تاکتیک مهره ای سوخته؛ ارزش قایل است؟ مهره ای که پس از ترک کشورش و سکونت در امریکا؛ در قبال دریافت حقوقی ثابت؛ مشاورات ارزشمندی به امریکایی ها داده و می دهد؛ آنچنان که روزنامه وال‌استریت ژورنال نوشت: «با حضور موسویان در آمریکا، پنجره‌ای بزرگ از اطلاعات برای آمریکایی‌ها گشوده شده است.»؛ گاهی در می مانم در تصمیم اعتدالیون! که آیا آزموده را، آزمودن رواست؟

از خودم می پرسم چرا رهبر انقلاب در دیدار مسئولان نظام؛ این همه بر تطمیع و تهدید دشمن پافشاری کرده و نسبت به سعی دشمن بر تغییر محاسبه ی مسئولین ایرانی هشدار دادند؟ چرا ایشان به دولت هشدار می دهند، فریب شیطان را نخورید و به خدا توکل کنید؟ چرا موکد می گویند: «[شیطان] وعده میدهد، آرزوها را در دل بیدار میکند، زنده میکند، یک آینده ی رنگی و دروغین و خیالی مثل سراب در مقابل چشم مؤمنینِ به خود میگذار؛ امّا فریب است. از یک طرف تهدیدَ، از یک طرف تطمیع؛ مثل رفتاری که امروز آمریکا دارد.»

مگر خط تسامح چه کرده؛ که رهبری اینچنین هشدار می دهند. نزدیک به نیمی از سخنان ایشان؛ با توسل به آیات و ادعیه؛ هشدار بود. بگذریم که برخی طبق روال، تنها تاییدی، که به تناسب هشدار ها بیش از چند سطر نیست را؛ می بینند. [که البته باید دید]؛ و مابقی را وا میگذارند.

رهبری فرمودند: «ما امروز در محاسباتمان نباید دچار اشتباه بشویم؛ نگذارید دشمن در دستگاه محاسباتی شما اثر بگذارد؛ نگذارید اغوا کند؛ نگذارید تطمیع او یا تهدید او اثر بگذارد.»

واقعاً فهمش برایم مشکل است؛ چرا خط تسامح آنگونه که باید، توان ترسیم خطوط قرمز برای دشمن را ندارند؛ تا آنجا که رهبر انقلاب، علی رغم میل باطنی بر «عدم دخالتِ در جزئیات مذاکرات»؛ به اجبار خلع کوتاهی آنان را، از حسینیه امام خمینی (ره) پر کرده و ۱۹۰۰۰۰ سو نیاز ایران را، با قاطعیت روی میز مذاکره می گذارند؟

نویسنده : infoshahmad

تصاویری از سلسله مذاکرات هسته ای وین

ارسالی توسط : afsarejavan

«خوب است چرخ سانتریفیوژها بچرخد به شرطی که چرخ کارخانه و چرخ زندگی مردم هم بچرخد.»

می توان گفت با این جمله دکتر روحانی در مناظره انتخابات سال گذشته ، رسماً انگشت اشاره به سوی آدرسی غلط بلند شد و فرآیند مفهوم سازی خاصی کلید خورده و سعی شد با این مغالطه ، عده ای به سمت جهت اشاره ، پای صندوق های رأی آمده و رئیس جمهور آینده را انتخاب کنند.این غلط نشان دادن راه ، بعد از انتخابات هم البته پیگیری شد.

معیشت مردم ، وضعیت اقتصادی کشور ، تحریم ها و نهایتاً پرونده هسته ای حلقه های زنجیره ای از مفاهیم بودند که به غلط به هم متصل شده تا پیوندی میان چرخ زندگی مردم و چرخ سانتریفیوژ ها برقرار شود و طبق این آدرس غلط ، مردم بر سر یک دوراهی قرار بگیرند. فناوری هسته‌ای و ایستادن و صیانت از دستاوردهای آن ویا وضعیت معیشتی بهتر و شرایط اقتصادی مطلوب تر؟!

غلط بودن این آدرس دهی در اینجاست که تحریم و فشارهای اقتصادی خارجی سرپوشی می شود بر کاستی ها و نارسایی های درونی و درنتیجه ، علت مشکلات اقتصادی قلمداد شده و در نتیجه رفع مشکلات اقتصادی در گرو رفع تحریم ها نمایانده شود.

مشکلات درون خانوادگی اقتصاد دیده نشده و همه چیز به بیرون مرتبط میشود.اقتصادی دلال محور که مناره های مراکز تبادل سیستماتیک ربا در آن به اسم بانک و بانکداری و آن هم با پسوند اسلامی! کم کم دارد جای مناره های مساجد را در سطح شهر می گیرد و بانگ اذان و دعوت های آن هم شبانه روز از رسانه ای ملی! به گوش میرسد.

اقتصادی که آن قدر حفره و نقص ساختاری دارد که در ضعف نظارت ها و کنترل ها ، فساد ها را در خود می پروراند و جونیورها و آقا!زاده های پرنفوذ را از سویی و فعالان بی تقوای اقتصادی را هم از سوی دیگر بر اموال مردم می شوراند.

اقتصادی که در آن مدیران دولتی رده بالا ، همزمان فعال بخش خصوصی اند و از سویی در هیئت دولت اند و از سوی دیگر در هیئت مدیره.با «ابتکار» عمل قوانین و لوایح را به این طرف و آن طرف پاس می دهند تا نهایتاً اطرافیانِ فعال در بخش خصوصی شان ، گل بزنند.البته نه برای مردم که برای جیب خودشان!

چنین اقتصادی با این درد های سخت و البته درمان پذیر ، فراموش شده و چرخ آن بجای اینکه به چرخ جرح و اصلاح گره بخورد ، به چرخ سانتریفیوژهای مظلوم گره خورده و دوای درد خود را در دست تحریم کنندگان خارجی می بینند.و این خط را در جامعه نشر می دهند و این «آدرس غلط» است!

اگر گره زدن چرخ اقتصاد و زندگی مردم به چرخ سانتریفیوژها و ترسیم دوراهیِ هسته ای یا معیشت بهتر را آدرس غلط بخوانیم ، در این روند «آدرسی غلط تر» در حال ارائه شدن است که بسیار خطرناک تر است.

تقلیل دادن مسئله ی هسته ای در شرایط فعلی به یک مسئله ی صرفِ فنی ، علمی و صنعتی که می تواند مانند سایر صنایع و فناوری های مشابه با حساب و کتاب ها و دو دو تا چهارتا های مرسوم اقتصادی و... پیش رود ، کند شود و یا حتی متوقف شود.آدرسی غلط تر از آنچه در بالا عرض شد.

تقلیل دادن اهمیت پرونده ی هسته ای ایران در حال حاضر ، به دستاوردها و نیازهای علمی و فناوری آن نظیر نیاز به انرژی ، کاربردها در پزشکی و کشاورزی و... نوعی ظلم به این پرونده ی حیاتی است!

این دستاوردها و نیاز به آنها کاملاً بجا و بسیار پراهمیت است اما اهمیت اصلی و کارویژه ی پرونده ی هسته ای در حال حاضر این است که این پرونده امروز نقشِ حیاتیِ «موضوع دعوای بنیادین و ایدئولوژیک میانَ انقلابَ اسلامی و نظام سلطه» را ایفا می کند.دعوایی که بخاطر ماهیت دو طرف بصورت طبیعی وجود داشته ، دارد و تا زمانی که ماهیت دو طرف همین چنین باقی بماند ، خواهد داشت و مسئله ای مثل پرونده ی هسته ای تنها موضوع و بهانه ی این درگیری است.

با این تفسیر ، با دادن آدرس غلط در مسئله ی هسته ای و مورد تهدید واقع کردن این مسئله ی حیاتی و کوتاه آمدن در دعوای آن ، گویی خاکریز اول در این نبرد از دست رفته است که در نتیجه ی آن باید یا تغییر ماهیت داد و یا منتظر موضوع ها و بهانه های دیگر برای دعوا بود.

سوال اینجاست که اگر امروز چرخ سانتریفیوژ ها به چرخ زندگی مردم گره زده شد و با این ترفند چرخ هسته ای از کار افتاد و خاکریز اول از دست رفت ، اگر فردا روزی پس از فتح موضوع اول دعوا توسط طرف مقابل ، موضوع دیگری بهانه قرار گرفت ، با این منطق آیا باز هم می شود مشکلات و نارسایی های اقتصادی را به گردن موضوع جدید انداخت و باز هم آدرس غلط داد ؟!

اگر مسئله ی حقوق بشر به بهانه ی اصلی دعوا تبدیل شد ، می شود چرخ زندگی مردم و اقتصاد را این بار به چرخ حقوق هم جنس بازها و قاچاقچیان اعدامی گره زد ؟!

اهمیت پرونده ی هسته ای این است که دشمن و تنش زایی هایش امروز پشت خاکریز این پرونده نگه داشته شده است و با کمی مقاومت و پیشروی حتی می توان وی را از همین خاکریز هم دور کرد و همچنین از کف دادن خاکریز اول به معنای مجوز دادن به دشمن برای پیشروی بسوی دیگر خاکریز ها و در نتیجه تحمیل هزینه ی بیشتر به جبهه ی خودی است.

گره زدن اقتصاد به مسئله ی هسته ای و بدهکار و مدیون نشان دادن مسئله ی هسته ای نسبت به سایر حوزه های پیشرفت کشور ، آدرس غلطی است که نشان از عدم فهم اهمیت اساسی این پرونده است.

امروز هسته ای خط مقدم پیشرفت ، عزت و استقلال کشور است. امروز همه می بایست متشکر و قدردان چرخ سانتریفیوژها باشند!

پ.ن: می دانید توافق ژنو یعنی چه ؟!!!

ای کاش جناب رئیسِ جمهور صادقانه به مردم می گفتند که توافق ژنو واقعاً یعنی چه.ای کاش ازکار افتادن چرخ سانتریفیوژها به موجب توافق ژنو را آن طور که هست به اطلاع مردم می رسانیدند تا مردم خودشان با بررسی وضعیت چرخ زندگی و اقتصادی شان ، رابطه ی چرخ سانتریفیوژ ها و چرخ زندگی را بهتر درک کنند. ببینند آیا امروز که چرخ سانتریفیوژها از کار افتاده ، آیا براستی چرخ زندگی در حال شتاب گرفتن است ؟!

نویسنده : mahdiyar85

ولایت بدون سانسور

نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
سه شنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۹۳
۱۱

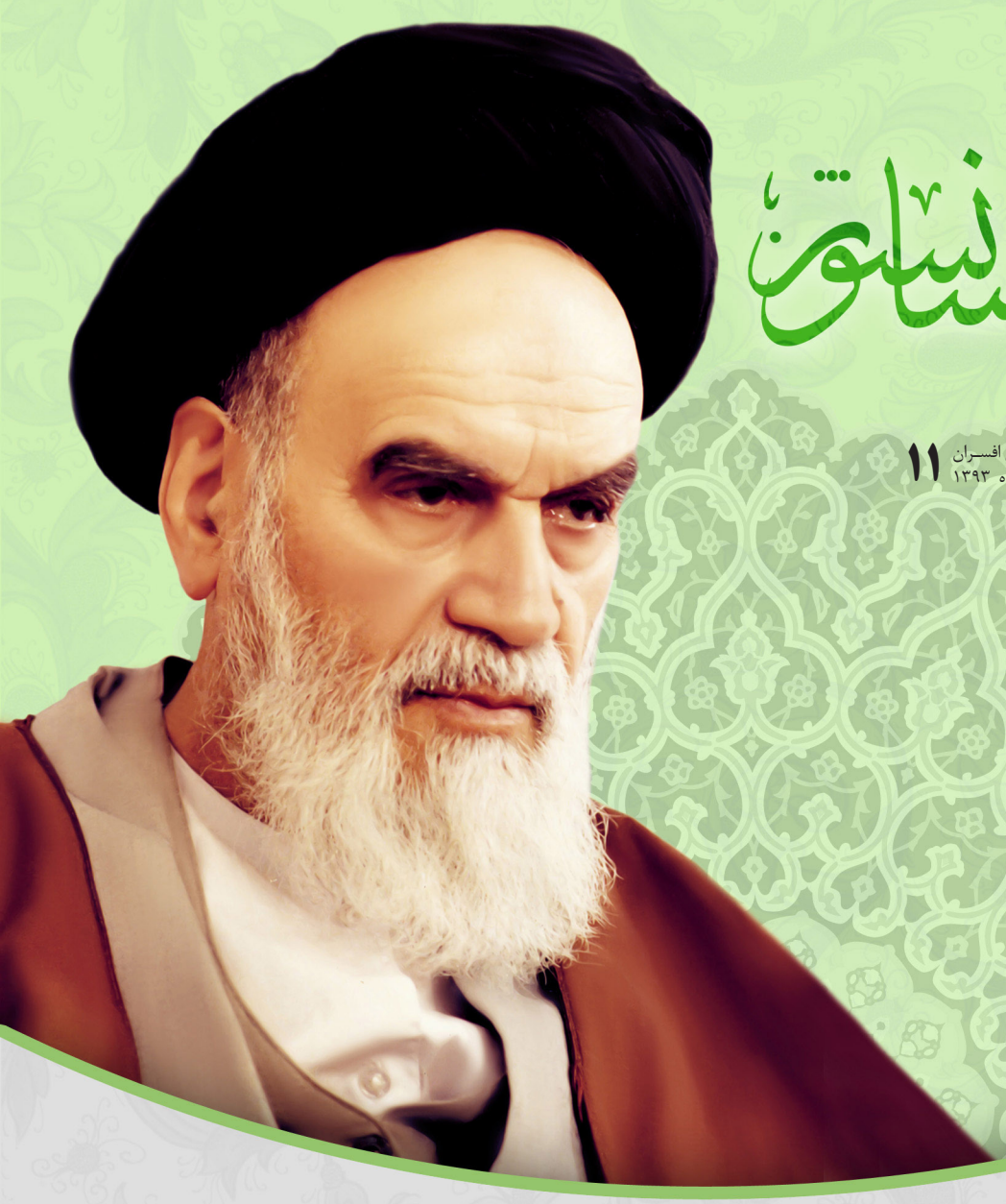

مردم عزیز ایران که حقاً چهره منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند که سختیها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفه اساسی شان که نشر اسلام در جهان است برسند و از آنان بخواهند که تنها برادری وصمیمیت را در چهارچوب مصلحت اسلام و مسلمین در نظر بگیرند.

چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی هستند و گرانی و کمبود بر طبقه مستضعف فشار می آورد، ولی هیچ کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دول دنیای امروز و پایه ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با امریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت و بر این امر هم افتخار می کنند. این روشن است که شکستن فرهنگ شرق و غرب، بی شهادت میسر نیست. مگر بیش از این است که ما ظاهراً از جهانخواران شکست می خوریم و نابود می شویم؟ مگر بیش از این است که ما را در دنیا به خشونت و تحجر معرفی می کنند؟ مگر امروز بیشتر از هر زمانی کینه و دشمنی استکبار علیه اسلام ناب محمدی برملا شده است. بسیج عمومی آنان در دفاع از یک خود فروخته و نویسنده مزدور گویای این واقعیت است و شاید آنان اینهمه فضاحت و بی آبرویی شان را به خاطر رسیدن به هدف شوم خود پیش بینی نکرده بودند که امروز با سرافکندگی و خواری از کرده خود پشیمان و با ذلت مراجعت می کنند...

من باز می گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را ازهویت اسلامی تان - به خیال خام خودشان - بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با بیش از این است که با نفوذ ایادی قاتل و منحرف خود در محافل و منازل ، عزت اسلام ومسلمین را پایکوب می کنند؟ مگر بیش از این است که فرزندان عزیز اسلام ناب محمدی در سراسر جهان بر چوبه های دار می روند؟

مگر بیش از این است که زنان و فرزندان خردسال حزب الله در جهان به اسارت گرفته می شوند؟ بگذار دنیای پست مادیت با ما چنین کند ولی ما به وظیفه اسلامی خود عمل کنیم. چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه ای آرامتان نمی گذارند».

صحیفه امام، جلد بیست و یکم - صفحه ۳۲۷
(۲ فروردین ۱۳۶۸، پیام به مهاجرین جنگ تحمیلی)

گردآوری توسط: alitanhha

نگارستان

پوسترهای تولید شده توسط افسران جوان جنگ نرم

www.afsaran.ir/ganjine/4

۱۲

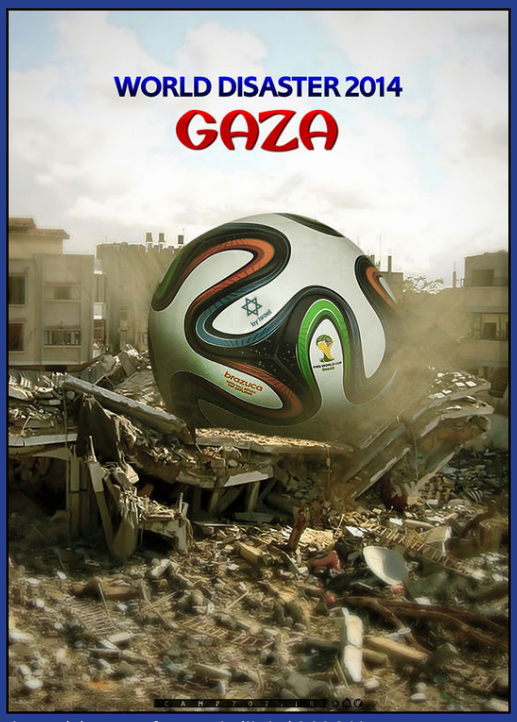

http://www.afsaran.ir/link/649811

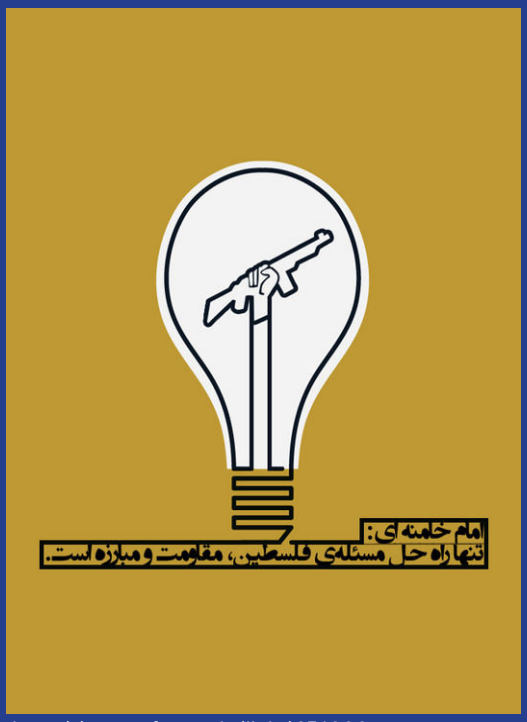

http://www.afsaran.ir/link/651220

http://www.afsaran.ir/link/650125

http://www.afsaran.ir/link/652341

http://www.afsaran.ir/link/651181

http://www.afsaran.ir/link/650994

http://www.afsaran.ir/link/651039

جنایت علیه سیاه پوستان

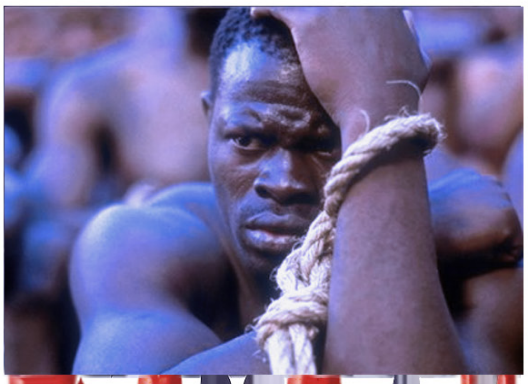

با حضور نژاد انگوساکسون در قاره آمریکا و اشغال سرزمین های سرخپوستان غاصبان آمریکای شمالی برای کار سخت در کشت‌زارهای بزرگ نیاز به نیروی کار انبوه و ارزان داشتند. آنها نمی‌توانستند در ابتدای حضور در خود در این قاره، ساکنان بومی یعنی سرخپوستان را استثمار کنند زیرا جنگل‌های تودرتوی آمریکای‌شمالی برای اشغالگران، بیگانه و برای سرخپوستان، همچون خانه‌شان آشنا و مانوس بود.
در وقت جنگ، این جنگل‌ها پناهگاهی کاملا ایمن برای بومیان و قتل‌گاهی برای اشغالگران به حساب می‌آمد. ازین رو، در این برهه از زمان، غاصبان اروپایی‌الاصل تا جایی که ممکن بود از درگیری با سرخپوستان پرهیز می‌کردند چون نمی‌خواستند در«جنگ استثمار» مغلوب شوند علاوه بر اینکه جمعیت و قدرت مبارزه سرخپوستان در این دوران بر سفید پوستان غلبه داشت.
یک راهبرد شیطانی، آرزوهای سرمایه‌داران اشغالگر را محقق می‌کرد: در اختیار داشتن کارگرانی«تنومن د»،«پراستقامت»،«ارزان»،«غریب و ناآشنا به منطقه» و«مطیع». آنچه این فکر را در مقام عمل، شیطانی‌تر و غیرانسانی‌تر می‌ساخت، تبدیل«اطاعت از روی میل و اختیار» به«بردگی» و«ارزان بودن» به«رایگان بودن» بود.
قاره آفریقا گزینه این تصمیم نابودکننده شد. بزرگ‌ترین عملیات آدم‌ربایی و برده‌داری تاریخ، توسط کمپانی‌های غارتگران زرسالار، آفریقای سیاه را به خاک سیاه نشاند. تا سال ۱۶۱۹ یک میلیون سیاهپوست را وارد آمریکای‌جنوبی و جزائر کارائیب کردند. از دید آنان، برده و کارگر، مادام‌العمر قلمداد می‌شدند.
تا سال ۱۸۰۰(آغاز قرن ۱۹) حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیون سیاهپوست آفریقایی به قاره آمریکا وارد شد. براساس محاسبات، آفریقا بیش از پنجاه میلیون نفر از جمعیتش را به خاطر تجارت برده از دست داد. همه این وقایع در طول قرن‌هایی روی داد که ما آن‌ها را آغاز شکل‌گیری تمدن مدرن می‌نامیم.
برده‌داری آمریکایی به دو دلیل ظالمانه‌ترین نوع برده‌داری تاریخ بود:
۱- برده‌داری آمریکایی از«جنون سود» بی‌پایان پدید آمد.
۲- بر«تنفر نژادی» مبتنی بود. به همین خاطر با بردگان همچون موجوداتی پست‌تر از انسان رفتار می‌کردند.(۳)

برخورد غیر انسانی دزدان(تاجران) برده، از همان ابتدای شکار برده از سرزمین‌های آفریقایی آغاز شد. جایی که بردگان را به هم زنجیر و مجبور به حرکت پیاده به سمت ساحل می‌کردند.
این فاصله‌گاه به هزاران مایل می‌رسید. طی این راهپیمایی‌ها از هر پنج سیاه‌پوست اسیر، دو تن جان می‌باختند. بازماندگانی که به ساحل می‌رسیدند، تا زمان فروش در قفس زندانی می‌شدند. سپس آن‌ها را درون کشتی‌های تجارت برده جای می‌دادند.
در این مرحله، همگی در فضایی تاریک و تنگ به هم زنجیر می‌شدند و در جایی به اندازه تابوت به حالت دراز کش قرار می‌گرفتند. عده‌ای به دلیل ازدحام شدید، کمبود اکسیژن و یا جراحات حاصل از شکار برده، می‌مردند. گاه در طول سفر یک سوم کل آفریقایی‌های درون کشتی، جان خود را ازدست می‌دادند. تعدادی، برای پایان دادن به این رنج و عذاب، خود را به دریا می‌انداختند. با این همه، تجارت برده چنان سودآور بود که تجار، سوراخ‌های کشتی را هم با برده پر می‌کردند.
اولین کشتی آمریکایی برده، در سال۱۶۳۷ از ایالت ماساچوست حرکت کرد. محفظه‌های نگهداری برده درآن کشتی، به قفس‌هایی با عرض ۶۱ سانتی‌متر و طول ۱۸۰، تقسیم می‌شد و در قسمت پا، قفل‌هایی برای زندانیان تعبیه شده بود.

آمریکایی‌ها در این جنایت سازمان یافته اقدام به اعزام نیروهای جوان سیاه به خاک آمریکا برای استفاده ابزاری از آنها می‌کردند. گذشته از خرید و فروش، عملیات اعزام را راه انداخته بودند که به مثلث برده‌داری در شمال غربی آفریقا و آمریکا شده بود.
شورش سیاه‌پوستان در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۶۰، سفید پوستان آمریکا را غافلگیر کرد؛خاطره‌های متراکم سیاهان از ظلم، تعدی و نژادپرستی آمریکایی، شورش را دور از انتظار قرار نمی‌داد.
ایالات متحده در اوج سروری زورگویانه خود بر دنیا، در عقب افتاده‌ترین وضعیت حقوق مدنی به سر می‌برد. تا ۱۹۴۶، هنوز نیروهای مسلح آمریکا تفکیک نژادی داشتند. از این سال نیز که دستور به پایان این قانون صادر شد، ۱۰ سال طول کشید تا بالاخره ارتش ، از لحاظ نژادی مختلط شد.
مدارس ملی کشور تا سال ۱۹۴۵، با قانون«جدا اما برابر» اداره می‌شد. تا ۱۰ سال پس از ۱۹۵۴ که دیوان عالی دستور پایان این تفکیک را صادر کرد، بیش از ۷۵ مدارس جنوب هنوز مجزا بود.
اتوبوس‌های محلی تا سال ۱۹۵۶، قسمتی مخصوص سفیدپوستان داشت که ورود سیاهان به آن قسمت، موجب بازداشت آنان می‌شد. سلف سرویس‌های کالج‌ها نیز محلی ویژه برای توزیع غذای سفید پوستان داشت که به سیاهان در آن محل خدمات ارائه نمی‌شد.

اواخر دهه۷۰ و بعد از تظاهرات جنبش‌های اعتراضی بسیار و تصویب قوانین بیشتر در جهت رفع تبعیض نژادی، هنوز هم جمعیت سیاهان که ۲۰ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌داد، صاحب کمتر از ۳ درصد مشاغل موثر بود.
تبعیض نژادی در عرصه اشتغال هنوز هم وجود دارد، میزان دستمزدها تفاوت می‌کند و به طور کلی تبعیض‌آمیز است.
در آمریکای امروزی سیاهان بورژوا و مرفه نیز دیده می‌شود، سیاهان تحصیلکرده، دانشمند، استاد، مهندس، سیاستمدار و هنرمند و... بسیارند ولی در مجموع این سیاهان بورژوا معرف اکثریت جامعه سیاه ایالات متحده نیستند بلکه اکثریت سیاهان را طبقات پایین و حتی مادون متوسط تشکیل می‌دهند و در محله‌هایی زندگی می‌کنند که تقریباً فراموش شده به نظر می‌رسد.
تعداد زندانیان سیاه از سفید بیشتر است چرا که از لحاظ امکانات در فقر شدید به سر میبرند .
میزان امید به زندگی در آمریکا بین سیاهان ۴ سال کمتر از سفیدپوستان است و این مسلماً ناشی از درآمد کمتر این اقشار و دسترسی کمتر آنان به خدمات بهداشتی و تغذیه مناسب است. نرخ بیکاری سیاهان نسبت به سفیدپوستان نزدیک به دو برابر گزارش شده است که برای جوانان زیر ۲۰ سال به بالای ۴۰ درصد بیکاری می‌رسد. ۵۵ درصد سیاهپوستان مالک خانه نیستند در حالی که فقط ۳۵ درصد سفیدپوستان چنین وضعیتی دارند.
این نوع نگاه به انسان نیز سند ننگین دیگری است که بر پیشانی آمریکا قرار گرفته است.

منابع : tasnimnews.com
gerdab.ir
کتاب «ریشه‌ها» / الکس هالی

تصاویر رفتار نژاد پرستانه غرب نسبت به سیاه پوستان

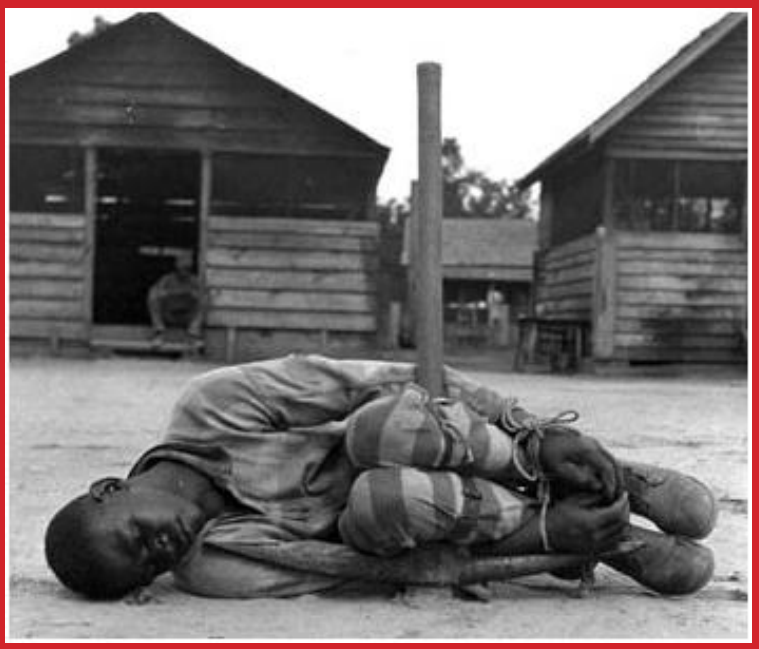

ارسالی توسط : afsarejavan

شبهایی که جهان به سان غزه در آن خواب ندارد

امشب دیدار رده بندی فوتبال جام جهانی است و هلند و آرژانتین برای کسب مقام سوم باهم خواهند جنگید، بلیط بازی در بازارسیاه به بیش از ۳ هزار دلار فروخته می شود و شبکه های مختلف تلویزیونی از جمله صداوسیمای ما با مبالغ کلان حق پخش این مسابقه را خریده اند تا مردم شان بتوانند از دیدن یک مسابقه لذت ببرند و همه ی اینها تنها هر چهار سال یک بار محقق می شود، چهارسالی که دنیا برای آن میلیاردها پول صرف می کند، صدها مسابقه می دهد و انتظار می کشد تا دوباره فرا رسد و ...

.. چهار سالی که اسرائیل هم آن را به انتظار می نشیند تا مثل ۴ سال پیش و مثل هرفرصت دیگری که غزه را به خاک و خون کشید، از این همه غفلت و سرگرمی دنیا استفاده کند و دوباره فرصتی برای بروز و تمرین درندگی اش ایجاد نماید ...

... فرصتی که برای حفظ، ثبات و اثبات وحشی گری اش به آن نیاز دارد تا میزان هاری اش را با کف و خون آویزان از دهانش به سران عرب که برده ی غرب، پول، ترس و شهوات شان هستند نشان دهد...

... فرصتی که در آن دنیای غرب، جهان عرب و حتی ما ایرانیان چشم به دروازه های فوتبال دوخته ایم که توپ از کدام شان رد می شود ...

... ساعاتی که همه نگرانند که نکند فلان داور صحنه ای از چشمش به دور مانده باشد و حقی از هلند، برزیل، آرژانتین و آلمان اجحاف شود ...

... و در همان آن در آن سوی دنیا، توپ ها نه در دروازه ها که بر سقف خانه ها ریخته می شوند، بی آنکه کسی صدایی را از حنجره های به خون تپیده شنیده باشد و یا تقاضای پخش صحنه آهسته عبور بمب از سقف خانه را کرده باشد...

... امشب جهان از این که نیمار کمرش مصدوم شد و نتوانسته به بازی رده بندی برسد غصه می خورند ولی گویا کسی به کمرهای کودکان، نوجوانان، جوانان و پیران غزه که زیرآوار بی صدا می شکند، نمی اندیشد ...

... و فردا شب همه چشم شان به پاهای مسی است که آیا می تواند بر نظم آلمانی ها غلبه کند و طرفداران آرژانتین نگرانند که نکند دروازه آرژانتین هم مانند برزیل گل باران شود و ...

... و نکند که اشک از چشم فلان کودک آرژانتینی بریزد، در حالی که بمباران غزه، خون صدها کودک فلسطینی را ریخته و به اشک شان آمیخته و جان ده ها تن شان را گرفته است و ...

... و جهانیان هنوز با عمیق ترین احساسات جاهلانه ی نژادپرستی، ریختن خون اعراب را از ریختن خون یک قلاده پلنگ ایرانی کم اهمیت تر می دانند ...

... آری، امشب و فرداشب مردم دنیا شب از هیجان این که کدام تیم ها رتبه های اول تا سوم دنیا را کسب می کنند خواب ندارند و غزه از صدای بمباران و موشک بی خواب است ...

... و البته امشب نیز چونان ۴ سال پیش، این فقط خدای غزه است که برخلاف وجدان های خواب جهانیان بیدار است و اوست که نخواهد گذاشت روند شکست های مفتضحانه ۳۳ روزه، ۲۲ روزه و ۸ روزه ی اسرائیل این بار حتی به همان ۸ روز برسد، ان شاءالله؛ باشد که به همگان ثابت شود، تحریم ها و حمله های خونخواران دنیا جز با صبر، مقاومت و موشک قابل حل نخواهد بود و هیچ ظالمی، ظالمانه بودن تحریم ها و حمله هایش را با زبان مذاکره نخواهد پذیرفت.

نویسنده : salman56

WWW.RESALAT-NEWS.COM
رسالت
روزنامه سیاسی
فرهنگی اقتصادی اجتماعی
صبح ایران

جریان شناسی رسانه های فارسی زبان (۸)

خرداد ۹۳

آدرس وب سایت	Resalat-news.com
سال تاسیس	1364
منابع مالی	تبلیغات
مشی سیاسی	اصولگرای سنتی
وابستگی یا تمایل سیاسی	جامعه روحانیت مبارز ، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم حزب موتلفه اسلامی ، جامعه اسلامی مهندسین
عملکرد در فتنه ۸۸	روشنگری
مدیر مسئول	مرتضی نبوی
سردبیر	محمدکاظم انبارلویی
عناصر اثر گذار	امیر محبیان
اتفاقات خاص	انتقاد از میرحسین موسوی در دهه ۶۰

تاسیس روزنامه رسالت به ۱۹ دی ماه ۶۴ باز میگردد. رسالت توسط منتقدین دولت میرحسین موسوی در دهه ۶۰ تاسیس شد. رسالت روزنامه خبری سیاسی چاپ صبح تهران است که معمولا دیدگاه های نزدیک به جامعه روحانیت مبارز و حزب موتلفه را منعکس می کند.این روزنامه به صاحب امتیازی بنیاد رسالت در حال حاضر به مدیر مسئولی مرتضی نبوی و سردبیری محمدکاظم انبارلویی منتشر می شود.

نبوی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو شورای مرکزی جامعه اسلامی مهندسین است و در کارنامه خود وزارت پست وتلگراف و تلفن دولت اول میرحسین موسوی را دارد که اختلافات وی و چند تن دیگر از وزرا (علی اکبر پرورش ، احمد توکلی ، علی اکبر ولایتی ، حبیب ا..عسگراولادی ، محسن رفیق دوست و محمد غرضی) با موسوی در فضای کشور جنجال رسانه ای بسیاری ایجاد کرد.

مرحوم آیت ا...آذری قمی ، محمدعلی شرعی ، راستی کاشانی ، کریمی جهرمی ، مرحوم شفیق به نمایندگی از جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ازسوی دیگر مهندس مرتضی نبوی ، علی اکبر پرورش ، احمد توکلی ، علی اکبر ولایتی ، محسن رفیق دوست ، حبیب ا..عسکراولادی و محمد غرضی و تنی چند از فعالان سیاسی نزدیک به هیئت های موتلفه افراد موثر و ذی نفوذ این روزنامه در ماه های نخست تاسیس آن بودند.

گرچه این روزنامه خود را ارگان هیچ حزب و دسته ای عنوان نکرد ، اما احزابی چون جامعه روحانیت مبارز ، حزب موتلفه اسلامی ، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه اسلامی مهندسین روزنامه رسالت را ارگان خود شناختند.

دهه شصت دهه طلایی رسالت است.انتقادهای رسالت به عملکرد میرحسین موسوی در دوران نخست وزیری اش یکی از

تنش های اصلی سیاسی در آن ایام بوده است ، حتی گفته می شود به دلیل حجم این انتقادات توزیع رسالت در جبهه ها ممنوع شده بود. در آن ایام روزنامه رسالت منتقد اصلی و اول اقتصاد دولتی و کوپنی میرحسین موسوی شد و از اقتصاد باز و بازار حمایت می کرد.

نمایندگان مخالف دولت (معروف به ۹۹ نفر) رسالت را به عنوان رسانه ای برای بیان مطالبشان و نقدهایشان یافته بودند.

ماجرای ۹۹ نفر به افرادی بر میگردد که به میرحسین موسوی در مجلس برای دور دوم نخست وزیری اش رای ندادند. توکلی درباره اتفاقات آن دوران می گوید: « در سال ۶۷ دولت آقای موسوی لایحه ای را با مهر سری به مجلس داد من هم آن را در روزنامه رسالت افشا کردم و در سرمقاله ای تحت عنوان لایحه سری عنوان کردم که ما لایحه سری نداریم .... تحت تاثیر انتشار لایحه در روزنامه آنها مجبور

شدند لایحه را علنی کنند و وصول آن را هم اعلام کنند.آن زمان دولت علیه من اعلام جرم کرد. شاکی عطاءا....مهاجرانی ، معاون حقوقی نخست وزیر بود که بعدها گفت هیچ کس نباید از هیچ روزنامه نگاری شکایت کند بلکه مدیرمسئول فقط باید پاسخگو باشد.من هم سه جلسه بازپرسی رفتم.»

نبوی هم رابطه دولت و رسالت را چنین بیان می کند: « موسوی در دوران نخست وزیری تنها روزنامه منتقد را که روزنامه رسالت بود تحمل نمیکرد و به امام شکایت می برد تا آنکه امام نظرشان براین بود که ما انتقاد نکنیم و ما هم تا پایان جنگ انتقادی برخورد نمی کردیم.»

وجه انتقادی رسالت در دولت سازندگی و اصلاحات هم ادامه پیدا کرد که هم زمان میشود با ورود نیروهای جوانی مانند امیرمحبیان به رسالت. در دولت سازندگی گرچه همراهی هایی با وی در دولت اول هاشمی دیده می شد. اما با بروز و ظهور جدی کارگزاران ، رسالت نیز به منتقد جدی دولت تبدیل شد.

در دولت اصلاحات علاوه بر فضای اقتصادی ، نقدهای فرهنگی و سیاسی علیه دولت خاتمی بیشتر شد. رسالت جزو حامیان دور اول احمدی نژاد شناخته میشد که این حمایت هم دوامی نداشت و با پررنگ تر شدن جریان انحرافی در دولت کم رنگ تر شد.

ولی به هر حال باید اذعان کرد رسالت دیگر اثرگذاری دهه شصت خود را از دست داده است. یک دلیل آن میتواند این باشد که در دهه شصت در حالی که کیهان ، اطلاعات و جمهوری اسلامی حامیان جریان چپ بودند که بعدها دست اندرکاران آنها جزو جریان اصلاح طلب شناخته شدند.رسالت تنها نشریه ای بود که جریان راست و روحانیت مبارز و جمعیت موتلفه را نمایندگی میکرد.

بعضی از نویسندگان و تحریریه سیاسی این نشریه را نزدیکان حزب موتلفه اسلامی تشکیل میدهند. امیر محبیان که دبیر سیاسی رسالت و عضو شورای سردبیری آن بوده ، خود موسس حزب نواندیشان ایران اسلامی است که حزبی میانه رو ، مدرن ولی اصولگرا به شمار می رود. محبیان هم اکنون خبرگزاری آریا را تاسیس کرده است. محبیان در تمام دوران ۸ ساله حاکمیت اصلاح طلبان بر دولت با نگارش بیش از چندصد مقاله در چارچوب ادبیات خاص خود در صف مقدم نبرد قلمی و نظری با آنان بود و در همان حال برخلاف چهره های شاخص جریان اصولگرا با نشریات اصلاح طلب مصاحبه و گفت و گو می کرد.

حشمت ا.. فلاحت پیشه نیز دبیری بخش سیاست خارجی این روزنامه را بر عهده داشته است که بعدها نماینده مجلس شورای اسلامی شد .

© منبع : مرکز پژوهش های خبرگزاری دانشجو
ارسالی توسط : mim.z

منـــش فرهنگـــی و سیاســـی شـــیعه

وقتی حرف از انقلاب می شود، طبیعیست که اذهان به سوی دلیل انبعاث و برانگیخته شدن مردم آن جامعه برای انقلاب برود. در لغت عرب، «إثاره» از ریشه «ثور» به معنای إنبعاث، تهییج، برانگیختن، بلند کردن و آشکار کردن است. «ثار الغبار» یعنی: گرد و غبار برخاست (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۹۵). انقلاب، قیام، نهضت و جنبش را نیز به همین مناسبت «ثوره» می گویند.
بی تردید بزرگترین جنبش اسلامی عصر حاضر، که در کنار انقلاب های کبیر فرانسه و روسیه قرار داده شده، یک حرکت ساده برای فرار از ظلم اجتماعی و سیاسی نبوده. ویژگی این انقلاب، شباهت های منحصر به فرد آن به قیام سید الشهداء (علیه السلام) است. به گونه ای که باعث شد به صورت معمایی برای تحلیلگران سیاسی و اجتماعی غرب و شرق جلوه کند.
این تحلیل اشتباه که؛ انقاب اسلامی ایران، یک تغییر نظام حکومتی و سیاسی با کمک جنبش مردمی در یک مقطع از زمان برای رسیدن به نیاز های اجتماعی سیاسی است؛ باعث شده عده ای از نخبگان خارج و داخل کشور فرایند ارتقاء حکومت ظالمانه را به اسلامی طبق نظریه های غربی عنوان کنند تا مانعی باشد برای انحلال و فروپاشی نظام ایران اسلامی. اما فارغ از اینکه این انقلاب همچون الگو و دلیل برانگیخته شدن خود، که در هر عاشوراء و حتی روز به روز زنده تر از همیشه، احیاء می شود، می تواند خودر را با پشتوانه آن تفکر بعد از گذشت قریب به چهار دهه از پیروزی خود هر روز تجدید و هر روز انقلابی نو را در پی داشته باشد.
بی مناسبت نیست که این نوع تفکر در عده ای قلیل از روشنفکران و موثرین در انقلاب اسلامی ایران، باعث به بی راهه رفتن سیاست های فرهنگی اجتماعی جامعه اسلامی شود تا جایی که انقلاب را ناقص و رسیدن به حد کامل آن را غیر ممکن فرض می کنند.
نفوذ و تاثیر اندیشه های سکولار، مارکسیست، کمونیست و... در تحلیل ها و ارائه راه کارها و سازکار هایی طبق آن، جز نتیجه ای متناقض با مبانی اندیشه های انقلاب اسلامی نداشته است. آنچه این نظریه پردازان را دچار اشتباه کرده و موجبات تناقض را با این نظریه ها فراهم آورده، این است که بر اساس تعاریف و کلیشه های موجود غربی، یعنی انقلاب بر مبنای عواملی مثل توطئه، استبداد، اقتصاد و مدرنیزاسیون، چگونه یک عالم سنّتی، در اوج دوران مدرن و حاکمیت مدرنیته، با شعار هایی تحت لوای دین و متحجرانه، انقلابی بر مبنای دینی که قابل تقسیم و تجزیه نیست، به راه می اندازد؟
به یقین باید گفت؛ همچنین عملکرد و رفتار خصمانه و فشار دولت های غربی، که در این سالها به پیکر نا متأثر انقلاب اسلامی وارد شده، ناشی از این تحلیل نادرست از پیدایش و ثبوت این حرکت سیاسی بر پایه دین است. عمده مشکلات نظریه پردازان غربی در تحلیل نادرست انقلاب اسلامی ناشی از این است که آنان نقش اصلی پیروزی انقلاب اسلامی را که آموزه های شیعی و عناصر و مؤلفه های فرهنگ سیاسی شیعه بوده است، نادیده گرفته اند؛ امری که در ادبیات سیاسی مدرن و بر اساس مبانی نظریه های مدرن غربی، قابل درک و توضیح نیست.

فرهنگ سیاسی شیعه

باید اقرار کرد در معنای فرهنگ و سایت اختلافاتی وجود دارد که طبیعی است که این اختلافات در تعریف «فرهنگ سیاسی» نیز نفوذ کند، اما می توان یک اشتراک را در تمام این تعریف ها پیدا کرد. لذا در جمعبندی تعاریف، «فرهنگ سیاسی» را می توان این گونه تعریف کرد: مجموعه ای از ارزش ها و اعتقادات اجتماعی موثر بر رفتار سیاسی یک جامعه که سازنده نظام سیاسی یک جامعه می باشد.
لذا وقتی مجموعه ای منسجم و غیر قابل انفکاک از فرهنگ تشیع، مبنای کنش و واکنش های مردم ایران در بروز انقلاب اسلامی شود، باید گفت «فرهنگ سیاسی شیعه» موثر ترین و بلکه مبنای حکومت نظام جمهوری اسلامی ایران است.
وقتی نظرات روشنفکرانی غربی مانند هانری کربن را درباره تشیع و ایران و یا انقلاب و قیام های شیعی مانند قیام عاشوراء، توابین و ... را بررسی کنیم، می فهمیم که یکی از ارکان مهم فرهنگ سیاسی شیعه که باعث پویایی و حیات آن محسوب می شود مجموعه «اعتقادات» و «ارزش های» آن است. این دو، همان «فرهنگ سیاسی شیعه» است که با پیوستگی و انسجام خود، باعث کنش و واکنش های دقیق سیاسی در برابر حکومت های جبار و ظالم طول تاریخ بوده است.
در تحت عناوین اعتقادات و ارزش های شیعه مولفه های زیاد وجود دارد که برخی از آنها دقیقاً موثر در تفکر سیاسی شیعه است. وقتی «استکبار ستیزی» شیعه، طبقه آیه کریمه: لَن یجعلَ اللهُ لِلکافرینَ عَلی المؤمنینَ سَبیلا (نساء: ۱۴۱) تحت «امامت» و ولایت ولی فقیه و مسائل مربوط به حکومت و اداره جامعه یعنی «امر به معروف و نهی از منکر » تجلی پیدا کرد، ارزش بزرگی به نام «روحیه ایثار و شهادت طلبی» را که با نام سید الشهداء (علیه السلام) در فرهنگ سیاسی تشیع ثبت شده، خون تازه ای را با شهادت خود در رگ های پیکر جامعه به جریان می اندازد تا رفتار مسئولانه سیاسی یک شیعه را که دارای تفکر صحیح در قالبی یه نام تفکر «معاد» است نشان دهد. تمام اینها باعث بروز رفتاری به نام «عدالت خواهی» می شود که همان مفهوم سیاسی اجتماعی عدل، در مقابل ظلم یا همان معنای حقیقی عدالت اجتماعی بشری. عدالتی که در قانون بشری باید رعایت شود و افراد بشر باید آن را محتوم بشمارند... .
مولفه های فرهنگ شیعه، از اساسی ترین عناصر فرهنگ سیاسی اسلام است که در چارچوب آن، مشارکت سیاسی در امر حکومت و نظارت همگانی بر هیأت حاکمه تحقق می یابد و سلامت جامعه در ابعاد مختلف تأمین می گردد و عمل به آن، ضامن بقا و استمرار حکومت و نظام اسلامی صالح و عادل است.
از مهم ترین علل وقوع انقلاب نقش بی بدیل رهبری و استفاده از ساختارهای اجتماعی سیاسی شیعه در بسیج و سازماندهی انقلابیان است. در انقلاب اسلامی ایران پیوند دینی و اعتقاد و باور مردم به مولفه های فرهنگ شیعی، باعث ایجاد قوام انقلاب شده است و به نتیجه مطلوب رسید و باعث افزایش قدرت و اقتدار کشورمان شده است.
جمهوری اسلامی ایران هویت متمایزی را در منش فرهنگی و سیاستی خود پذیرفت که بی کم و زیاد بر مبنای اسلام بود؛ اسلامی که در حکومت و نظام قابل تفکیک بین اجتماع و سیاست نیست، الگویی که تشابهی با ساختار اندیشه سکولار نداشت؛ حکومتی که با مبانی فکری، هدف، فرآیند تاریخی و تطوراتی متمایز از گفتمان سکولار شعار عینیت سیاست با دیانت را نهادینه کرد و پایه گذار گفتمان جدید در نظامات سیاست بین المللی شد.

نویسنده : matinememi

حوریانی پرده نشین در خیمه ها

مسئله پوشش و حفظ عفاف خاص دنیای اسلام و حتی دنیای ادیان توحیدی نیست. براساس زمینه فطری، حتی جوامع اولیه و به دور از تمدن و مذهب هم آن را مورد توجه خود قرار داده اند (شیرین بیانی، زن درایران عصرمغول ،ص۵۸)ودر همه جوامع و ملل به صورت های گوناگون، کم و بیش وجود داشته است، اما با آمدن اسلام این مسئله به عنوان یک حکم تکلیفی و ضروری برای زنان تعیین گردید

.بر مبنای دستورات اسلام هنگامی که زن پوشیده با وقار باشد ودر روابط اجتماعی جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، افراد مغرض، جرات نخواهند کردتا متعرض وی شوند (سوره احزاب،آیه۳۳ / عبدالله جوادی آملی، زن در آیینه جلال وجمال،ص ۴۳۸) بر اساس فطرت وطبیعت انسانی، زنان از ازظرافت، لطافت و جاذبیت های خاصی برخوردار هستند که عمل ورفتار آن هامی تواند مردان، رابه سوی خود جذب کنند. هم چنان که در روایات آمده است: «المرئه ریحانهٔ»(محمد بن الحسن حرعاملی،وسایل الشیعه،ج۲،ص۱۶۸)یعنی «زن هم چون ریحانه یا شاخه گلی، ظریف است»،اگر باغبان او را پاس ندارد، از دید و دست تعرض گلچین، مصون نمی ماند.با بررسی آیات و روایات در می یابیم که رعایت عفاف شامل مردان نیز می شودو نیز در لزوم رعایت عفاف، تفاوتی بین افراد زن ومرد وجود ندارد. (سوره نور،آیه۳۳)اما به علت طبیعت وروحیه زنان،اسلام برای آن که قدر و ارزش زن ها محفوظ باشد با مقرر داشتن حکم پوشش، زنان را از سهل الوصول بودن مصون داشته وبا حجاب محدوده مطمئن تری پیرامون او قرار داده است.۵(سوره نور،آیه۳۰)بنابراین برای سالم سازی جامعه باید به دنبال عفت عمومی باشیم تا حجاب آگاهانه گسترش یابدتاسلامت وامنیت اجتماعی در جامعه پایدارشود.قرآن کریم، زنان ایده آل را که در بهشت جای دارند، به مروارید محجوب و پوشیده در صدف تشبیه می‌کند: « كَأَمْثالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ. » (سوره واقعه)

هیچ گوهر فروشی گوهرهای ناب و قیمتی خود را در معرض دسترس افراد قرار نمی دهد . استاد شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «حرکات و سکنات انسان گاهی زبان‌دار است. گاهی وضع لباس، راه رفتن، سخن گفتن زن معنا دار است و به زبانِ بی‌زبانی می‌گوید: دلت را به من بده، در آرزوی من باش، مرا تعقیب کن؛ گاهی بر عکس، با زبان بی‌زبانی می‌گوید: دست تعرّض از این حریم کوتاه است.»(مساله حجاب ص ۱۳۶)بررسی ابعاد مختلف عفاف و گستره ان در شئونات فردی و اجتماعی دامنه وسیعی دارد که با استعانت از قران و سنت به چند مورد ان اشاره می کنیم :

***عفت در اندیشه**

عقل یکی از عوامل موثر در تعدیل خواهش های نفسانی و رام کردن غرایز بشری است، هر چه تفکر انسان متعادل شود و با فطرت کمال جویی او بیشتر منطبق باشد،سریعتر راه تکامل را می پیماید.امیر المومنین علی علیه السلام می فرمایند:«من عقل عف» هر آن کس که عقل دارد عفت دارد.

***عفت در نگاه :**

ارزش و اهمیت این موضوع از این باب است که چشم، دروازه دل است و انچه از این دریچه وارد باطن شخص می گردد، گاهی او را به سر منزل سعادت و گاهی به ورطه سقوط و ذلت می کشاند،چنانچه امام علی (ع) می فرمایند : «العین رائد القلب» چشم، دل را بدنبال خود می کشاند . از انجا که خداوند خالق انسان است و نسبت به تمام صفات و اخلاقیات او اگاهی کامل دارد و مصلحت و مخیر و صلاح ادمی را بهتر از هر کسی می داند عفت در نگاه را توصیه فرموده است و مومنین را از نگاه های الوده بر حذر می دارد:« قل للمومنین یغضوا من ابصارهم .....* و قل للمومنات یغضضن من ابصارهن.. (سوره نور /آیه ۳۰ و ۳۱) بیان صریح این ایات مبنی بر حرمت نگاه کردن مرد و زن نامحرم به یکدیگر است .

***عفت در معاشرت**

انسان موجودی است که به صورت انفرادی معاشرت نمی کند ؛یعنی برای ادامه زندگی نیاز به روابط اجتماعی دارد. در این میان زن نیز همچون مرد وجودی اجتماعی است و برای تامین نیاز های خو د باید د ر اجتماع حضور یابد.انچه مسلم است و از قران و سیره پیامبر ص و ادمه اطهار دریافت می شود این است که زنان با رسول اکرم ص و امامان بزرگوار ع معاشرت و گفتگو داشته اند حتی قران بیعت با زنان را که یکی از بارزترین نمونه های مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان است پذیرفته. (سوره ممتحه / آیه۱۲)

***عفت در زینت**

تمایل انسان به زیبایی و جمال با سرشت او امیخته شده است،در کتب اسلامی روایات بسیا ری درباره ارزش زیبایی و جمال انسان امده است.از جمله پیامبر اکرم ص فرمودند :« علیکم باالوجوه الملاح و الحدق السود» (سفینه البحار ص ۵۴۶) بر شما باد که با خوب رویان نمکین صورت و مشکین چشم معاشرت کنید» امیرالمومنین نیز در این باره فرمودند :«حسن وجه المومن حسن عنایه الله به » (غررالحکم ص ۳۷۹) روی زیبای مردم با ایمان عنایت نیکوی خداوند به انان است. بنابر این خدا وند نهی از زینت نمی کند بلکه انچه مذوم است و مورد نهی واقع شده است نهی از تبرج (سوره احزاب/۳۳) و مانند دوران جاهلیت خود ارایی نکنید.

***عفت در کلام**

قران به ما دستور می دهد به گونه ای هوس انگیز سخن نگویید که بیمار دلان در شما طمع کنند(سوره احزاب/۳۲) بنابر این از نظر قران هر گونه ناز و غمزه در کلام با ادا و اطوار سخن گفتن تغییر صدا که شهوت ران را به فکر گناه می افکند و هر گونه سخن باطل و غیر حقی مردود است

*عفت در ستر (حجاب)

به جرات می توان گفت که یکی از پر دامنه ترین موضوعاتی که در دنیای امروز راجع به زن و حیات اجتماعی او مطرح است موضوع ستر یا حجاب زنان می باشد(گنجینه عفاف ، گوهر حجاب مرکز فعالیت های دینی شهرداری تهران)ابن شهر آشوب وقطب راوندی روایت کرده اند که روزی حضرت امیرالمؤ منین علی (ع)محتاج به قرض شد وچادر حضرت فاطمه(س)را به نزد مرد یهودی که نامش زید بود رهن گذاشت وآن چادر از پشم بود وقدری از جوبه قرض گرفت . پس یهودی آن چادر را به خانه برد ودر حجره گذاشت ، چون شب شد زن یهودی به آن حجره درآمد نوری از آن چادر ساطع دید که تمام حجره را روشن کرده بود چون زن آن حالت غریب را مشاهده کرد به نزد شوهر خود رفت وآنچه دیده بود نقل کرد. یهودی از استماع آن حالت در تعجب شد وفراموش کرده بود که چادر حضرت فاطمه (س) در آن خانه است به سرعت شتافت وداخل آن حجره شد که دید شعاع چادر آن خورشید فلک عِصْمت است که مانند بَدْر مُنیر خانه را روشن کرده است ، یهودی از مشاهده این حالت تعجبش زیاده شد پس یهودی وزنش به خانه خویشان خود دویدند وهشتاد نفر از ایشان را حاضر گردانیدند واز برکت شعاع چادر فاطمه (س) همگی به نور اسلام منوّر گردیدند.۸(محمد باقر مجلسی ، ج۴۳،ص۳۰/محمد محمدی اشتهاردی، سیره چهارده معصوم (ع)، ص ۶۴

گردآورنده: parasto

کلیپ های تصویری

www.afsaran.ir/ganjine/3

خروس قندی های یواشکی
www.afsaran.ir/link/630706

دوباره اسیر نمی شوی
www.afsaran.ir/link/641501

درجنگ نرم چریک باشید
www.afsaran.ir/link/627723

منظورما از فرهنگ، فرهنگ انقلابی است
www.afsaran.ir/link/647286

پویانمایی فرجام شرارت
www.afsaran.ir/link/647454

پویانمایی صاعقه
www.afsaran.ir/link/647454

پویانمایی پشتم گرمه
www.afsaran.ir/link/652290

بخشی از

وصیت نامه شهید وحید رزاقی

۲۰

ای مردم، ای آنهایی که هر وقت مصیبت امام حسین به گوشتان می رسد می گریید و قلباً آرزو داشتید تا بودید و فرزند علی را یاری میکردید تا طفل شیر خواره اش، علی اصغر شش ماهه شهید نشود، تا زینب و اهل بیت اسیر نشوند. اینک بدانید و به گوش دل بشنوید که زمان، همان زمان است و حسین، همان حسین است.

ندای هل من ناصر، همان صداست. یزید هم در لباس دیگری همان یزید است و اینجاست که آزادمردانی چون حر مشخص گردند، اینجاست که همچون عباس، وفادار ها مشخص گردند. اینجاست که حبیب ابن مظاهرها مشخص گردند و اگر کمی به عقب برگردیم، اینجاست که همچون حنظله ای که یک شب عروسی کرده و حتی فرصت غسل هم نیافته ، مشخص گردد.

بیا و رخت همت را بر تن پوش، بیا و شمشیر علی اکبر را در دست گیر، بیا و پرچم ابوالفضل را بلند کن و نهایتاً بیا و چون علی بگو «فزت و رب الکعبه»

ای دوستان و عزیزان همسنگر، امروز دار عمل است و فردا دار حساب؛ ندای وانفسای ما را در صحرای قیامت به یاد بیاورید و اندکی تامل کنید که برای چه خلق شده ایم. خداوند آزمایش میکند به راهی که شاید به فکرت هم نرسد. جهاد را در نظر داشته باش و به یاد آر آیه ای را که خداوند بعد از ایمان به خدا، بهترین تجارت را جهاد می داند و بدان که این سخن حق است و خداوند تخلف نمیکند و آنگاست که بعد از یقین ، خداوند راه سعادت را می نمایاند و خوش به حال آنانی که تشخیص این امر را بدهند که همانا سعادت دنیا و آخرت را خریده اند.

پدر و مادر و همه اهل خانواده بدانید که خدا مرا در این راه یاری کرد و خدا شما را دوست داشت که چنین امری را بوجود آورد. خداوند وقتی کسی را دوست داشته باشد او را در بلا و مشکلات قرار میدهد و بدانید که ما در این راه گامی به غیر از این نمیتوانستیم برداریم، در غیر اینصورت برابر بود با پستی.

شما را به خدا قسم کمی فکر کنید که این دنیا با تمام زیبایی اش، سرای گذر است و پلی است که همه ما در حال رد شدن از آن می باشیم و سختی و مشکلاتش برابر است با راحتی و سعادت آخرت. پس دنبال توشه ای باشید که قیمتش گران تر و بارش سنگین تر و اخلاص در آن توشه نیز بیشتر باشد.

خاکیان افلاکی

نیت کردم؛چهل روز روزه بگیرم ودعای توسل بخونم.
بعد از این چهل روز هر کسی آمد، جواب نه نمی نشنود.
شب سی و نهم یا چهلم بود که ابراهیم آمد خواستگاری.
آمده بود بله را بگیرد. بهش گفتم: « من مهریه نمی خواهم.
راضی کردن خانواده با شما.»
خیلی راحت گفت:«من وقت این کارها را ندارم.»
با عصبانیت گفتم:«شما که وقت ندارید،چرا می خواهید ازدواج کنید؟!»
گفت:«درست است که وقت ندارم، ولی توکل که دارم.»
مراسم با خرید یک حلقه برای من و یک انشگتر عقیق برای حاجی،
خیلی ساده برگزار شد

به نقل از همسر شهید حاج محمد ابراهیم همت
ارسالی توسط: Ghalandar

مراسم اعطای لقب Sir و نشان شوالیه گری به بنیان گذار بهائیت

بهائیـــت در ایران

استعمارگران با تجربه ای که از جنبش های ضد استعماری در ایران به دست آوردند تصمیم گرفتند تا پایه های اعتقادی مذهب را مورد تردید و تزلزل قرار دهند، مشکل اصلی آنان با ملت متحد ایران بود. عنصر اساسی اتحاد مردم که رهبری ،تشکیلات و اقتدار سیاسی هم داشت مذهب «شیعه» بود. بنابراین در ایران مرامی را بدعت گذاشتند که بعدها به نام» بهائیت « مشهور شد.بعد از جنگهای ایران و روس،دولت ایران عمدتاً در دست روسیه بود و انگلستان نیز اعمال نفوذ در آن داشت. از دوره ی ناصرالدین شاه به بعد هم انگلیسی ها به صف حامیان جدی این فرقه های تقسیم کننده ی ملت به گروه ها و اعتقادات گسسته ،پیوستند.

بهائی گری به عنوان یک جنبش اجتماعی در قرن۱۳ هجری (۱۹ میلادی) در ایران به وجود آمد.بهائیت فرقه ای منشعب از بابی گری است.بنیانگذار فرقه بهائیت»میرزا حسینعلی نوری» معروف به بهاءالله است. او فرزند میرزا عباس نوری است و در سال ۱۲۳۳ قمری در تهران به دنیا آمد.بعد از اعدام باب،میرزا حسینعلی «بهاءالله» با زیرکی و شگردهای فریبکارانه زمام کارها را در دست گرفت.

او پس از رسیدن به عکا در فلسطین به صورت کامل و علنی دست از ادعای نائب باب بودن برداشت و رسما خود را پیامبر نامید و فرقه ی بهائیت را بنیان گذاشت که فوراً از جانب دولت روسیه به رسمیت شناخته شد.دولت استعماری روسیه پس از به رسمیت شناختن فرقه ی ضاله ی بهائیت به عنوان یک دین،همه گونه امکانات در اختیار آنها گذاشت.

مرگ میرزا حسینعلی و بحران جانشینی، اختلافات و درگیری های زیادی را در میان فرزندانش به دنبال داشت.»عباس افندی»پسر ارشد او که بعدها»عبدالبهاء» لقب گرفت،جانشین وی شد.عباس افندی در سال ۱۹۱۱ میلادی به اروپا و آمریکا مسافرت کرد و این سفر بر نگرش و عقاید عبدالبهاء تأثیر عمیقی بر جای گذاشت.او در جریان جنگ جهانی اول خدمات زیادی برای انگلستان انجام داد و پس از پایان یافتن جنگ،به پاس این خدمات،طی مراسمی لقب»سِر» و نشان «نایت هود» که بزرگترین نشان خدمتگزاری به انگلیس است،به وی اعطا شد.

بدین صورت بهائی گری به عنوان ستون پنجم و یکی از ابزارهای سیاست استعماری انگلیس و نیز آمریکا مبدل شد.پس از عبدالبهاء ، «شوقی افندی» ملقب به «شوقی ربانی» فرزند ارشد دختر عبدالبهاء بنا به وصیت عبدالبهاء جانشین وی گردید.شوقی در زمان حیاتش از تأسیس دولت صهیونیستی حمایت و مراتب دوستی بهائیان را نسبت به اسرائیل ابلاغ کرد.

اسناد و مدارک تاریخی نشان می دهد که محفل بهائیت در ایران مدتها پیش از کودتای انگلیسی سوم اسفند۱۲۹۹،توسط حبیب الله عین الملک(پدر هویدا)به وجود آمد.آغاز حکومت رضاخان با ابتدای رهبری «شوقی افندی» همراه بود.نفوذ بهائیان در دولت اگرچه در دوره ی حکومت رضاخان آغاز شد،اما در حکومت پهلوی دوم به اوج خود رسید به طوری که اکثر وزرا و کارکنان حکومت از بهائیان بودند.در واقع این دوران را باید یکی از مناسبترین ادوار برای رشد و گسترش سریع «بهائیت» در ایران نامید.

آنها با آزادی هایی که داشتند مهم ترین مناصب حکومت همچون : وزارت فرهنگ،آموزش و پرورش و... را به دست گرفتند و بدین ترتیب شریان های حیاتی حکومت در دستان آنان قرار گرفت. با روی کار آمدن «حسنعلی منصور» برای نخستین بار پای بهائیان به کابینه ی وزیران ایران باز شد.یکی از نخستین بهائیانی که با برنامه ریزی قبلی در حوزه ی فرهنگ و هدایت افکار عمومی ایران در دوره ی پهلوی فعال شد،»فرخ دین پارسای» بود.او از اوایل حکومت رضاخان تا سالهای پایانی عمر خود در اواسط سلطنت محمدرضا پهلوی نقشی درجه اول و کلیدی در کار اداره ی مطبوعات و سمت و سو دادن به فعالیت زنان و رواج ابتذال و ولنگاری در بین آنان داشت.او یکی از چهره های مرموز مطبوعات دوران پهلوی بود و به عنوان نماینده ی حضیره القدس بهائیان،در بیشتر حوادث و فعل و انفعالات مربوط به حوزه ی زنان نقش داشته است. مهم ترین بهائی شاغل در دستگاه سلطنت محمدرضا پهلوی،»امیر عباس هویدا» بود که حدود ۱۵ سال در منصب وزارت بود.در یکی از گزارش های ساواک به بهائی بودن او اشاره می شود.

قبل از انقلاب تلقی مردم ایران از بهائیان تلقی یک فرقه ی ضاله ی ضد اسلام و ضد ملیت بود،این طرز تلقی بعد از انقلاب نیز نه تنها تغییر نکرد بلکه شدت یافت.تا سال ۱۳۶۲ بهائیت به طور مخفیانه به فعالیتهای تشکیلاتی خود ادامه داد. در این سال دادستانی کل کشور با انتشار نامه ی رسمی هر گونه فعالیت تشکیلاتی بهائیت در ایران را ممنوع اعلام کرد.مشاغل حساس و غیر حساس دولتی و بعضاً غیر دولتی ،که در رژیم پهلوی به فراوانی در اختیار آنان قرار داده شده بود از آنان پس گرفته شد و از کلیه ی مراکز نظامی ،فرهنگی و هنری اخراج شدند.

امروزه این فرقه با مرکزیت اسرائیل و بیشترین طرفدار در آمریکا در سطح جهان دارای سه شاخه ی اصلی است و مورد حمایت کشورهای سلطه گر می باشد.به نظر می رسد علت حمایت کشورهای فوق از آنان این باشد که نشر عقاید بهائیت یکی از وسایل مهم برای مقابله با حرکتهای اسلامی به خصوص در منطقه ی خاورمیانه باشد.

نویسنده : Parvaz77

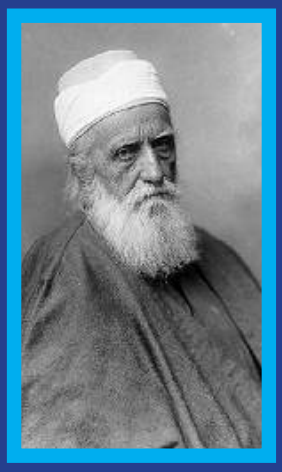

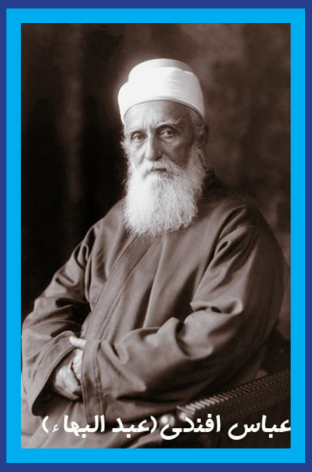

عباس افندی (عبد البهاء)

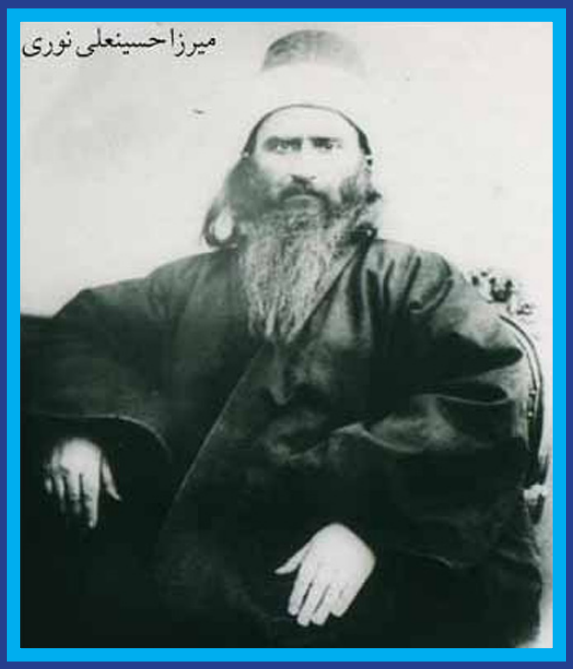

میرزا حسینعلی نوری

بیت العدل - مقر بهاییان در آمریکا

روز قدس در جهان اسلام

مسئله ی فلسطین و اشغال آن توسط رژیم صهیونیستی مسئله ی جدیدی نیست.بیشتر از نیم قرن است که از اشغال آن میگذرد وساکنانش کمتر روزی را بدون بمباران سپری میکنند.در مورد جایگاه ویژه و اهمیت بیت المقدس همین کافی است تا بدانیم که اولین قبله ی مسلمانان بوده و معراج پیامبر اکرم»صلی الله علیه و آله وسلم» از این مکان اتفاق افتاده است.

مسئله قدس همیشه مورد توجه ملت ما بوده است.امام خمینی (ره) در اوج قدرت رژیم پهلوی در مناسبتهای مختلف رابطه های پنهان و آشکار پهلوی با اسرائیل و خطر آن برای جهان اسلام را بیان میکردند.مثال روشن این روشنگری ها صحبتهای حضرت امام است در ۱۳ خرداد ۴۲ که سرانجام به تبعید ایشان به ترکیه و اتفاقات بعد از آن انجامید.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) و الهام گرفتن فلسطینیان از آن روح تازه ای بر پیکره ی نیمه جان مقاومت دمیده واسلام وارد صحنه مبارزاتی مردم فلسطین شد. با ابتکار حضرت امام آخرین روز ماه مبارک رمضان هر سال «روز قدس» نام گذاشته شد.این ابتکار از اولین ماه رمضان بعد از پیروزی انقلاب عملی شد.

با کمی دقت در این کار به ظاهر ساده می توان متوجه شد مطرح کردن چنین روزی آن هم در کل جهان اسلام چه تأثیر عمیقی در بیدار ساختن جهان اسلام و حتی کل مردم جهان داشته است.

به دلیل مسلمان بودن مردم فلسطین این موضوع به طور ویژه مربوط می شود به جهان اسلام و عکس العملهایی که باید در این موضوع داشته باشند و از طرفی تلنگر زدن به مردم دنیا که باید با ظلم و زورگو ،هر کس و هر کجا که باشد و به هر ملتی اعم از مسلمان یا غیر مسلمان که زور بگوید ،باید ایستادگی کرد و اینکه سکوت یک خیانت به بشریت محسوب می شود.

در واقع با ابتکار حضرت امام و مطرح شدن فلسطین و جنایات اسرائیل در این منطقه وجدانهای خفته در سطح جهان بیدار شدند و در حال حاضر کمتر کشور و رسانه ای است که در این مورد حرفی نزند و عکس العملی نشان ندهد.

حضرت امام بعد از نامگذاری آخرین جمعه ی ماه مبارک رمضان به نام «روز قدس» فرمودند:

«روز قدس یک روز جهانی است، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است، روز حیات اسلام است، روزی است که باید به همه ابر قدرت ها هشدار بدهیم که اسلام دیگر تحت سیطره شما و عمال خبیث شما واقع نخواهد شد...»

«مسئله قدس یک مسئله شخصی نیست و یک مسئله مخصوص به یک کشور و با یک مسئله مخصوص به مسلمانان جهان در عصر حاضر نیست، بلکه حادثه ای است برای موحدین جهان و مؤمنان اعصار گذشته، و حال و آینده، از روزی که مسجدالاقصی پی ریزی شد تا آنگاه که این سیاره در نظام هستی در گردش است. و چه ننگ است برای دولت های اسلامی که با در دست داشتن شریان حیاتی ابرقدرتهای جهان بنشینند و تماشاگر باشند که آمریکا ابر جنایتکار تاریخ یک عنصر فاسد بی ارزش را در مقابل آنان علم کند و با عده ها ی ناچیز ،عبادتگاه مقدس و قبله گاه اول آنان را از آنان غصب نموده و با کمال وقاحت در مقابل همه آنان قدرت نمایی کند... «

یک بعد دیگر اهمیت این روز این است که ملت مسلمان فلسطین خود را تنها و رها شده نمیبینند و وقتی با حمایت کشورهای اسلامی و حتی سایر کشورهای غیر مسلمان جهان مواجه می شود امید و روحیه ی مقاومت و ایستادگی شان بیشتر می شود و با قدر تی زیادتر از گذشته از حق خود دفاع خواهند کرد.

سخنان امام خامنه ای هم اهمیت این بعد از مسئله را نشان می دهد:

«امروز، مبارزین فلسطینی و ملت مظلوم فلسطین، نیاز به حمایت جهانی و دلگرمی از سوی برادران مسلمان خودشان دارند، من به مردم عزیزمان و همین‌طور به همه ملتهای مسلمان توصیه می‌کنم که ان‌شاءالله این روز را از گذشته گرمتر و پرشورتر برگزارکنند. این، به مبارزه و اصلاح امور فلسطینیها کمک خواهد کرد...»

در آخر باید گفت که انتخاب روزی به نام «قدس» این مسئله را از یک مبارزه ی صرفا داخلی ،خارج کرد . به فرموده حضرت امام،روز قدس یک روز جهانی است.روزی که هر کدام از ملتها ی جهان که مورد ستم از طرف کشورهای زورگو همچون آمریکا و اسرائیل قرار گرفتند،با ملت فلسطین همدردی میکنند و نجات و حمایت از کشورهای مظلوم از دست کشورهای ظالم را وظیفه ی خود می دانند.نکته ی کلیدی این است که فقط با عنصر «اتحاد» میتوان با ظالم مقابله کرد و هر جایی که اتحاد بین مسلمانان گسسته شد سرانجامش جنگهای طولانی مدت و نرسیدن به پیروزی کامل است.

نویسنده : parvaz77

تصاویر راهپیمایی روز قدس

کـــلیپ های صوتـــی

چگونه باید کار فرهنگی انجام بدهیم؟
http://www.afsaran.ir/link/593853

شیطان مخالف کار فرهنگی است
http://www.afsaran.ir/link/646168

خاطره ای عجیب از امام خامنه ای در شروع جنگ
http://www.afsaran.ir/link/647373

خوشحال کردن مومن
http://www.afsaran.ir/link/647385

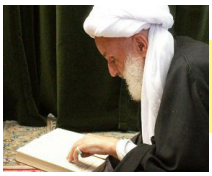

دنبال آرزوهای دراز ندوید
http://www.afsaran.ir/link/647378

خودمان را تسلیم قرآن کنیم
http://www.afsaran.ir/link/642166

تاثیر خواندن قران در خانه
http://www.afsaran.ir/link/647368

صحبت دختر سه ساله با امام زمانش
http://www.afsaran.ir/link/647374

پادکست آقا بیا
http://www.afsaran.ir/link/621562

مصاحبه با یک مولتی یوزر

مدت ها بود که دوست داشتم با یک مولتی یوزر مصاحبه ای داشته باشم
شما هم اگر مثل من دوست دارید حرف های یک مولتی یوزر رو بشنوید همراه ما بشید البته نامی از این فرد برده نخواهد شد.....

سلام آمده هستید مصاحبه رو شروع کنیم؟

مولتی یوزر: علیک سلام بله من کاملا آماده هستم .

من میتونم شما رو مولتی یوزر خطاب کنم؟

مولتی یوزر: آره چرا که نه به هر حال همین مولتی یوزر بودن من باعث شده با من مصاحبه کنید دیگه

بسیار خب شروع میکنیم این رو هم بگم که شما میتونید از کل سوالاتی که از شما میپرسم به ۲ سوال پاسخ ندید....
شما دارای چند یوزر هستید؟

مولتی یوزر : اجازه بدید بشمارم ..... در کل ۹ یوزر ولی ۳ تا از یوزر ها رو غیر فعال کردم

میتونم بپرسم چرا ۳ تا یوزر هاتون رو غیر فعال کردید؟

مولتی یوزر: اینو بزارید به حساب همون ۲ سوال

هدفتون از این مولتی یوزر بودن چی هست؟

مولتی یوزر : هدف که رسیدن به قله های ترقی بوده !! اولش به خاطر مثبت گرفتن لینک ها و پیامک هام بود حتی تصمیم داشتم ۲۰ یوزر داشته باشم که دیگه نیازی به مثبت دیگران نداشته باشم و بقولی آقای خودم باشم و منت حاتو طایی نکشم ! ولی بعد از مدتی دیگه برگزیده شدن لینکها و پیامک ها هم واسم بی اهمیت شد هم تکراری

خب پس چرا هنوز مولتی یوزر هستید ؟

مولتی یوزر : الان بیشتر وقتی بحثی بین بچه ها پیش میاد میروم و نظر خودم رو میگم و با بقیه یوزر های خودم شروع می کنم از خودم طرفداری کردن البته فقط این نیست میشه خیلی کار های دیگه هم با مولتی بودن انجام داد..... کلا صفایی که در مولتی یوزر بودن هست در کشیدن قلیان نیست !

تا حالا شده یوزر هاتون رو با هم اشتباه بگیرید و لو برید؟

مولتی یوزر (با خنده) :
راستش این همون سوالیه که نخواستم بهش پاسخ بدم یعنی بله شده به همین خاطر اون ۳ یوزر رو غیر فعال کردم پس من هنوز ۲ فرصت برای پاسخ ندادن به سوال دارم درسته؟

حالا ببینیم چی پیش میاد شاید..... آیا تصمیم دارید باز هم به یوزر های خودتون اضافه کنید چرا؟

مولتی یوزر: نه نه به هیچ وجه حتی شاید همین یوزر هایی رو که دارم رو هم غیر فعال کردم البته به جز یوزر اصلی خودم گرچه اینها همش فرضه !

آهان پس شما یک یوزر اصلی دارید و بقیه در واقع فرعی هستند

مولتی یوزر : بله دقیقا

آیا ممکنه یک روز از افسران خدا حافظی کنید ؟

مولتی یوزر: نه به هیچ وجه

الان این یوزی که دارید با من مصاحبه میکنید یوزر اصلی شما نیست؟

مولتی یوزر: معلومه که نیست

کسی به غیر از خود شما از این مولتی یوزر بودن شما خبر داره؟

مولتی یوزر : نه هیچ کس من فوق العاده آدم رازداری هستم

ولی من الان یکی از یوزر های شما رو میدونم چی شد که تونستید به من اعتماد کنید و حاضر به مصاحبه شدید

مولتی یوزر : من از شما شناخت خوبی داشتم شاید اگر فرد دیگه ای بود من مصاحبه نمیکردم
ولی برای محکم کاری هم که شده این یوزر خودم رو هم غیر فعال خواهم کرد و یکی دیگه خواهم ساخت تا ویترینم کم تعداد نشه !

الان حرفتون با کسایی که تصمیم دارن مولتی یوزر بشن چیه؟

مولتی یوزر : چی بگم والله اینها همش اثرات وجود «رفیق نابا» !! هست .. فقط این رو میگم که اگر به گذشته برگردم این کار را نخواهم کرد واقعا این رو میگم از ته دل .. مثل اعتیاد میمونه نمیتونم ترکش کنم ولی دوست دارم که ترک کنم .. یه مرکز ترک اعتیاد خوب سراغ ندارید ؟!!!

قبلا یکی ساختن .. نمیدونم الان فعاله یا نه ! دوست داشتید در این مصاحبه چه سولی از شما می پرسیدم که نپرسیدم ؟

مولتی یوزر : دوست داشتم سوال می کردید که که توی این ۹ یوزری که داشتید و دارید شده جنسیت خودتون رو به دروغ بگید؟

خب من الان این سوال رو از شما میپرسم

مولتی یوزر : واقعا نه نشده فقط یک یوزر رو زدم نامعلوم بقیه همون جنسیت خودم بود.

من دیگه سوالی ندارم خیلی لطف کردید که حاضر به مصاحبه شدید ممونم از شما

مولتی یوزر: خواهش میکنم
خدانگهدار

نویسنده: Afsar0313

تولیـــدات طنـــز افســـران

www.afsaran.ir/ganjine/5

اخبار افسران ۲۹

به مناسبت فرا رسیدن ماه مبارک رمان فعالیتهای مختلف سایت انجام میشود از جمله تولید محتوا با محورهای تعیین شده قرآنی در گروه ها و همچنین برگزاری مسابقه «جام حذفی قرآنی»

برترین لینک ها

این لینک توسط کاربر bravo از طرف افسران جهت حمایت از مردم مظلوم غزه ارسال شد

کاریکاتوری در بی توجهی جامعه جهانی به حوادث غزه که توسط کاربر noname ارسال شده است

پوستری بسیار زیبا با عنوان پیمان با امام که توسط کاربر shiaart طراحی و ارسال شده است

برترین پیامک ها

حدودای ۴:۳۰ صبح، وضو گرفتم و آماده شدم برای نماز صبح
یه کارتون آوردم و انداختم جلو مغازه و خلاصه شروع کردم به خوندن نماز
نمازم که تمام شد دیدم سه نفر دیگه هم منتظرن بیان رو اون کارتون وایستند نماز بخونن
برام خیلی جالب بودش!! قبلا هم پیش آمده بود که سرنشین های یه ماشینی وقتی دیدن من نماز میخونم آمدن و رو همون کارتون نمازشون رو خوندن!
شروع خوبی برای امروز بود :)
این هم یکی از #آزادی-های-علنی ما

Bravo

درسی که من از بازی با آرژانتین گرفتم خیلی وقتها خود ما و رسانه هامون همسو با رسانه های دشمن از رقیب (دشمن) یک غولی میسازیم که دسترسی بهش ممکن نیست. بهش هزارتا لقب میدیم کهکشانی و مشت اهنین و...
اما واقعا رقیب غول نیست اون هم یه ادمه یه ملته مثل ما
باتلاش عالمانه و مجاهدانه میشه فاصله هاروخیلی کم کردوحتی سبقت گرفت
چه تو ورزش چه توعلم چه توفناوری چه تواقتصاد
قهرمانان واقعی شهیدان اسلامند
بیاد مصطفی

Hojjat

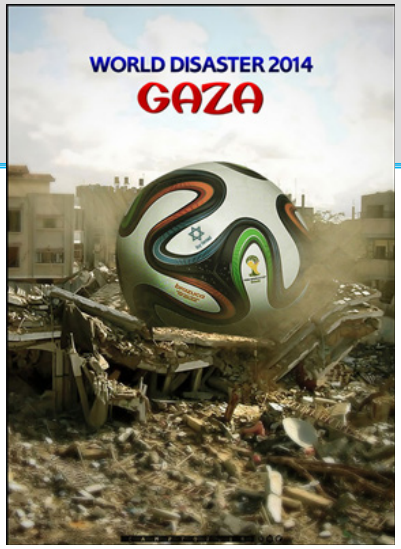

در همراهی با مردم مظلوم غزه و در جهت محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی ، کاربران سایت و گروه های عملیاتی ، تولید محتوا در این زمینه را آغاز کردند . این فعالیت ها شامل تغییر چهرک ، تولید پوستر ، نوشتن مقاله و دلنوشته می باشد

از زمان نوشتن اخبار نشریه شماره ۱۸ تا کنون ، چهار برنامه دیگر از رادیو افسران منتشر شد .
برنامه های شماره ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸

http://www.afsaran.ir/link/617200
http://www.afsaran.ir/link/630268
http://www.afsaran.ir/link/643737
http://www.afsaran.ir/link/655748

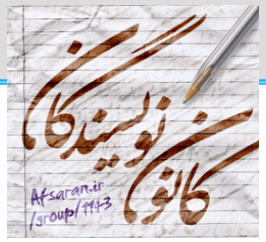

گروه کانون نویسندگان با هدف انسجام نویسندگان سایت و انجام عملیات های محتوایی و حمایت از نوشتارهای تولید شده تاسیس شد .
لینک های این گروه را می توانید در این آدرس ببینید: afsaran.ir/group/1143

طبق امار رسیده از مدیریت سایت آمار کاربران به عدد ۳۳۶۴۰ رسیده است که نسبت به سال گذشته در همین زمان رشد ۱۹۶ درصدی را نشان میدهد .
هم اکنون تعداد ۱۱۸۶ گروه در سایت هست که بسیاری از آنها کم فعال یا غیرفعال می باشند . خوب است کاربران قبل از ایجاد گروه در لیست موجود جستجو داشته باشند

داستانک

براساس داستانهای واقعی

کشوی کمد را می کشد و از بین چندرنگ ساق دست، ساق دست مشکی اش را با اطمینان خاطر برمیدارد و میپوشد، از بین روسری ها هم تیره ترینشان را انتخاب میکند...مهمانی امشب را باید با چادر دانشجویی اش برود تا کمک به میزبان برایش راحت تر باشد و کم تر بشنود از دیگران که چادر دست و پاگیر است و مانتوات مناسب، میتوانی چادرت را از سرت برداری.هربار برای ملطفت شدن دیگران، باید تکرار کند که من راحت ترم این شکلی و مشکلی نیست.

...

بعد از برگشت از مجالس مهمانی، میدانست که باید به خاطر نوع پوششش از مادر و خواهرش سرکوفت بشنود..».فرزانه تو جوونی! نوع پوششت عینهو پیرزن هاست! بازم ساق دست مشکی پوشیدی!؟ چه خبره ؟!چرا روسریتو اینقد کشیدی جلو؟!و....»

جوابش در برابر همه این حرف ها سکوت بود و بس، از وقتی تصمیم گرفته بود حجاب کامل داشته باشد هر روز همین آش بود و همین کاسه. تمامی این حرف ها برایش باد هوا بود که می آمدند و می¬رفتند، تنها دلخوشیش دل گرمی ای بود به انتخاب راه صحیح و رضایت خداوندی خدا .

....

فریبا، خواهر فرزانه اکثر اوقات به صورت خیلی ملایم آرایشش را داشت و لباس ها و روسری های رنگ روشن تری را می-پوشید، با وجود کمتر بودن سنش از فرزانه بود خواستگارهای بیشتری داشت البته از جنس خودش ! کسانی بودند که ظاهر برایشان اهمیت بیشتری داشت اما خواستگارهای ش رو به فلک بود، مردم کوچه و بازار ظاهر فریبا را بیشتر می¬پسندیدن، عقل مردم به چشمشان بود گرچه مهربانی و گذشت و زیبایی درون فرزانه، قابل وصف نبود، افسوس که این زیبایی برای مردم شهرشان فرصت بیشتری برای بروز میخواست.

گوشی فریبا مملو از جک های قومی بود و صحبت و غیبت در مورد همه چیز و همه کس هم در دایره او مجاز بود، اما برای فرزانه بحث های مفید و اجتناب از غیبت رجحان داشت و همیشه مانع تمسخر و غیبت میشد.

با اینکه دختران و خانومهای فامیل اکثرا مشابه فریبا بودند اما علاقه و احترامشان نسبت به فرزانه زیادتر بود . حرف فرزانه برایشان حجت شده بود . زن دایی می گفت : « نمیشه جلوی فرزانه جان غیبت کرد . این اخلاقشو دوست دارم چون میدونم مطمئنا پشت سرم حرف نمیزنه و اگر هم کسی غیبتم رو بکنه ازم دفاع می کنه» دایی هم با تایید حرف همسرش گفت هروقت براش جوک این قوم و اون قوم رو می فرستم با یه تغییر باحال ، پاستوریزه اش می کنه و برام می فرسته .. اینقدر لذت می برم که نگو ..»

با اینحال فرزانه مثل فریبا خواستگار نداشت . خواستگارای عجیب و غریب فریبا میامدند و می رفتند و منتظر جواب فریبا بودند . فریبا دنبال یک مورد خوش تیپ و پولدار و خوش مشرب بود قیافه های عجیب و غریب خواستگاراش رو مرتب سبک و سنگین میکرد . هرچی فرزانه بهش میگفت دنبال اخلاق خوب و ایمان باشه گوشش بدهکار نبود . می خواست پسری رو انتخاب کنه بعدا بتونه بین دخترای فامیل پز بده !

دیگه کم کم داشت زمان عقد فریبا میرسید و هنوز فرزانه ازدواج نکرده بود . مادرش می گفت حیف چهره قشنگ تو نیست که به خاطر چادرت و اخلاقت ترشیده بشه ؟!!

حرفای خانواده اش مثل خنجر در قلبش فرو می رفت ولی به وعده های خدا امیدوار بود «وَ الطَّیِّبَاتُ لِلطَّیِّبِینَ وَ الطَّیِّبُونَ لِلطَّیِّبَاتِ أُوْلَئِکَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا یَقُولُونَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ کَرِیمٌ»

فریبا ازدواج کرد با پسری با همون مشخصات که می خواست . پسری با ظاهری زیبا و ماشین آنچنانی و چقدر بهش افتخار میکرد بخصوص در مهمانی ها که باعث میشد چشم دختران فامیل و دوستان دربیاد !

فرزانه صبورانه نگاه های سنگین اطرافیان رو تحمل میکرد . یکسال از ازدواج خواهرش گذشته بود و فرزانه ناراحت بود

چون خواهرش دیگه نماز هم نمی خواند ! همون حجاب شل و ول رو هم کنار گذاشته بود و دائما پای ماهواره می نشست و هر روز یک مدل برای بیرون رفتن انتخاب میکرد و شوهرش هم ....

یکی دوبار برای فرزانه خواستگار آمده بود که نپسندیده بود . شب دوباره تلفن زنگ زد . یکی از خانومهای همسایه بود ، برای پسر یکی از دوستانش می خواست وقت خواستگاری بگیره . خیلی که تعریف میکرد ولی این تعاریف همیشه تو همه خواستگاری ها بوده !

خانواده عظیمی اومدن برای دیدن دختر . مادر پسر خیلی محترم بود و فرزانه از صحبتهاش و وقارش خوشش اومده بود . یه جورایی محبت اون خانوم به دلش افتاده بود و انگار واقعا دل به دل راه داشت ... مادر برای جلسه بعد و اوردن پسرش وقت گرفت .

محمدامین پسری با شخصیت و با ایمان بود . ظاهرش از شوهر خواهر فرزانه زیباتر نبود و زندگی ساده ای داشت ولی نگاه پاک و حرفای صادقانه اش قلب فرزانه رو گرفتار کرد .

مادر فرزانه خوشحال بود که بالاخره این دختر روی دستش نمونند !

خدا به زندگی ساده و گاه پر مشکل (از لحاظ مادی) آنها دو فرزند سالم و خوش اخلاق عطا کرده و محمدامین ضرب المثل شوهر خوب درمیان خانواده و دوست و آشنا . فرزانه نمازش را خواند و شروع کرد به گفتن تسبیحات .. از صمیم قلب می گفت : الحمدلله الحمدلله الحمدلله ....

afsarejavan

گرافیک اطلاع رسان
حرفی برای تمام فصول

برای مشاهده در اندازه اصلی از نشانی زیر استفاده کنید:
bayanbox.ir/id/7055875286794208828?download

طراح: arezou

مصاحبه با کاربر

اینبار برای مصاحبه سراغ مدیریت سایت افسران یعنی آقای حجت ملکی رفتیم .
کمابیش اکثر افسران ایشون رو می شناسند . جناب ملکی فارغ التحصیل مهندسی برق و مدیریت MBA در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد از دانشگاه صنعتی شریف و دانشجوی دکتری مدیریت رسانه در دانشگاه تهران هستند که مسئولیت های مختلفی رو در کارنامشون ثبت کردند و الان هم مدیریت افسران رو به عهده دارند . ازشون به خاطر وقتی که در اختیار نشریه گذاشتند تشکرمی کنم

سلام علیکم .. چطور شد پروژه ای به نام افسران کلید خورد ؟

علیکم السلام .... ابتدای پروژه افسران برمیگرده به مطالعه ای که من در ایام دانشجویی سر یکی از ارائه ها و کارهای دانشجوییم داشتم که چندتا social news رو بررسی کردم . این مطالب سرکلاس ارائه شد بعد احساس کردم این سایتها ظرفیتی بیشتر از چیزی که من از لحاظ تجاری بهش نگاه می کنم دارند و مطالعاتم روی این سایتها رو از زوایا و دیدگاههای دیگه ادامه دادم... این بحث مال اوایل سال ۸۷ هست. چندتا شبکه اجتماعی رو بررسی کردم و پس از بررسی ، این ایده در ذهنم شکل گرفت که این سایت ها یک پتانسیل خیلی خوبی برای استفاده از ظرفیت های اجتماعی و همچنین ایجاد «جنبش های اجتماعی» و پیگیری «مطالبات اجتماعی» دارند. این طرح رو به سازمانها و نهادهای مختلف، چه دولتی و چه غیر دولتی، ارائه دادم اما خیلی جدی نگرفتند .. سال ۸۸ که فتنه اتفاق افتاد مسئولین به اهمیت رسانه های اجتماعی و نقششون در مسائل اجتماعی پی بردند. اولین جایی که برای شروع همکاری مشترک باهاشون به توافق رسیدم و گفتند که از این طرح حمایت می کنیم موسسه اطلس بود. البته قبلش می خواستم بطور خصوصی این کار رو انجام بدم ولی یک سری مشکلات جدی برای راه اندازی خصوصیش بود .مجمتع اطلس که این کار رو قبول کردند سعی کردم تیمی رو جمع کنم که این کار رو انجام بدیم. نفر دومی که از همون ابتدای کار وارد شد آقای نجفی بود . یک تیم ۶-۵ نفره تشکیل دادیم و حدود سه چهارماه کار مطالعاتی روی رسانه های اجتماعی مختلف انجام شد و به یک مدل مفهومی برای شبکه اجتماعی افسران رسیدیم . مسئله بعدی این بود که چطور وارد اجرای افسران بشیم . قرار شد اقای نجفی که فارغ التحصیل رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه شریف بود و اون سال هم دانشجوی رشته مدیریت دانشگاه علامه بودن خودشون زحمت پیاده سازی نرم افزاری این رو بکشن و این بود که پروژه افسران شروع شد .

محتوای افسران چقدر به اهدافی که براش درنظر گرفته شده بود نزدیک هست؟

موقعی که افسران رو راه می انداختیم می خواستیم جایی باشه که مخاطبین حزب اللهی (با تعریفی که از این نوع مخاطب داشتیم) بتونند کنار هم جمع بشن و به بحث و تبادل نظر راجع به مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بپردازند و در زمینه جنگ نرم فعالیت کنند یعنی بحث جنگ نرم خیلی جدی بود و باید یه کار خوبی براش انجام میشد . ما باید سراغ مخاطب مورد نظرمون میرفتیم و افسران رو بهش معرفی می کردیم تا اینها باهاش آشنا بشن و فعالیت کنند . فکر می کنم مخاطب های اصلیمون رو جذب کردیم البته نه صد در صد .. احساس می کنم ۲۰ - ۳۰ درصد کسایی که باید ما رو می شناختند ، شناختند وتعداد خوبیشون هم دارند تو افسران فعالیت می کنند . قاعدتا محتوا رو باید کاربرها بگذارند و مفهوم شبکه اجتماعی همین هست که کاربرها محتواش رو تولید کنند و سردبیری کنند. من برداشتم اینه که با محتوای مدنظر خودمون فاصله داریم و چیزی که الان هست رو نمی پسندم . البته به این معنی نیست که محتوای افسران بده .. ارزیابی من اینه که یک حجم خیلی خوبی از محتواهای خوب تو افسران وجود داره ولی اونطور که باید دیده نمیشه . خیلی از گروه ها تو افسران وجود داره که تولید محتوا در آنها به خوبی انجام میشه مثل گروه افسران گرافیست و کانون نویسندگان و سایر گروه ها .. در این جاها محتوایی که ما می خواهیم و افسران رو براش راه انداختیم هست ولی این محتواها دیده نمیشن و ما وظیمونه کاری کنیم که این محتواها بیشتر دیده بشن و انگیزه برای تولید این جنس محتوا بیشتر بشه.

منظور از مخاطب حزب اللهی چیه ؟

مخاطبی که مدنظر ما بود مخاطبی هست که واقعا دغدغه فعالیت تو جنگ نرم داشت. تو حوزه بحث های سیاسی هم به آدمهای سیاسی و جناح های سیاسی منحصر و محدود نمیشه . انگیزه ما این بود کسانی که نسبت به آرمان های انقلاب وفادار هستند در یک جایی کنار هم جمع بشن و با مهمترین جنگی که الان باهاش مواجه هستیم یعنی جنگ نرم شروع به مقابله کنند . منظورم از مخاطب حزب اللهی چنین مخاطبی بود.

اینها یک طیف هستند دیگه ؟ چون بین همین ها هم گاهی اختلاف و دعوا پیش میاد

مخاطب حزب اللهی قطعا یه طیف هست و محدود به یک آدم نمیشه نمی تونیم بگیم طرفداران آقای فلانی یا فلانی .. این یک طیفی هست از کسانی که دغدغه انقلاب رو دارند و دنبال محقق کردن آرمان های انقلاب هستند . اینها از نظر ما ، مخاطب ما هستند.

آیا در افسران واقعا به جنگ نرم پرداخته میشه ؟

بحث جنگ نرم یک مقوله خیلی مهمی هست که مصادیق متفاوتی داره . تعریف کلی تو حوزه جنگ نرم اینه که دشمن می خواد محاسبات مردم و مسئولین رو عوض کنه این محاسبات تو حوزه های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی وجود داره یعنی همه فعالیتها در این حوزه ها می تونه فعالیت تو حوزه جنگ نرم باشه . خیلی ها برای این موضوع در بخش های مختلف افسران دارن فعالیت می کنند . گروه های خیلی خوبی فعالیت می کنند و محتوای تولیدی افسران نسبت به شبکه های اجتماعی دیگه خیلی خیلی بیشتر هست ولی آیا مطالب دیگه ای هم غیر از جنگ نرم در افسران هست؟ که باید گفت بله و با این هم موافق نیستم که این مطالب در افسران نباشند چون بالاخره اینجا یک اجتماع هست و برای اینکه یک جامعه ای شکل بگیره یک سری نیازهایی هست که باید در کنار همدیگه براورده بشن اما نباید بگذاریم موضوعیت جنگ نرم از بین بره. من الان احساس می کنم داریم به همون سمت میریم و به همین خاطر فرهنگ سازی و حساس کردن کاربرها رو شروع کردیم . باید در این فضا مراقب باشیم و نگذاریم افسران فقط به معنای دور هم بودن یه سری آدمها باشه . این دور هم بودن خیلی مسئله مهمیه ولی این فقط یک قدم از کارهست .

در مقایسه با سایر شبکه ها سایت افسران رو چطور ارزیابی می کنید؟

شبکه اجتماعی افسران برای مخاطب خاص ایجاد شده و نه برای هر مخاطبی . ما خودمون تمایل نداریم که هر مخاطبی لزوما تو افسران باشه . دوم اینکه برای مخاطب ایرانی هست و با سطح تکنولوژی ایرانی . به نظرم شبکه اجتماعی افسران از نظر کاربرها و از نظر محتوا از همه شبکه های اجتماعی داخلی خیلی خیلی قویتر هست ولی از لحاظ بحث های فنی مشکلاتی داریم که این مشکلات هم قابل مقایسه با شبکه های دیگر که از کدهای اماده استفاده کردن نیست . خدماتی که تو افسران میدیم خیلی متنوع تر از شبکه های دیگر هست چون ما خودمون این کدها رو تولید کردیم و می تونیم روش کار کنیم .

انگیزه ما این بود کسانی که نسبت به آرمان های انقلاب وفادار هستند در یک جایی کنار هم جمع بشن و با مهمترین جنگی که الان باهاش مواجه هستیم یعنی جنگ نرم شروع به مقابله کنند

نکته بعدی مخاطب های اون سایت هست . از نظر فنی وقتی یک سایت دارید با دو سه هزار تا کاربر، مشکلات شما از یک جنسه ولی وقتی یک سایت دارید با سی و خرده ای هزار کاربر مشکلات کاملا متفاوت میشه و ترافیکی که در سایت بوجود میاد خودش مسئله درست می کنه . خیلی از این مشکلاتی که دارید می بینید به خاطر اینه که افسران وارد مرحله دیگری از زندگیش شده و از نظر مخاطب و ترافیک وارد یک گروه دیگری از رسانه های اجتماعی شده و به همین خاطر باید تغییرات جدی در زیر ساختهای افسران ایجاد بشه تا بتونیم به نیازهای مخاطب پاسخ بدیم که البته ۷۰ - ۸۰ درصد کار انجام شده و در گام های آخرش هستیم . امید داریم بعد از این تغییرات خدمات به کاربران و میزان رضایت آنها خیلی بهبود پیدا کند .

در ضمن افسران یک social news هست و مقایسه اش با شبکه های اجتماعی مقایسه درستی نیست. اصلا کارکرد و ماموریت افسران با اونها متفاوت هست.

گفتید تمایل ندارید هر مخاطبی وارد سایت بشه ولی کاربران به حضور افرادی مثل کاربر حامی اسراییل یا حامی فتنه گران اعتراض داشتند که چرا پروفایل اینها بسته نمیشه . جریان چیه ؟

ببینید این که ما تمایل نداریم با اینکه اینها بیایند یا نه دوتا مسئله متفاوت هست . ما یک سری ابزارهایی داریم برای اینکه تعیین کنیم چه کسانی وارد افسران شوند . اینکه میگیم تمایل نداریم یعنی سیاست کلی ما این نیست که اسراییلی ها به افسران بیایند ، سیاست کلی ما این نیست که فتنه گران به سایت بیایند . کانالهایی که برای تبلیغ افسران داریم و تصویری که از افسران ارائه می دهیم برای مخاطب هدفی هست که می خواهیم وارد افسران شود ولی ممکنه یک اسراییلی یا فتنه گر هم وارد سایت شود . ما با اینها طبق قانون برخورد می کنیم . ما یک قانونی در افسران داریم که تا وقتی کسی از قانون تخطی نکرده ما با اون برخوردی نمی کنیم . اینم عرض کنم که روزهای اولی که داشتیم مطالعه روی افسران رو شروع میکردیم یکی از بحثهای جدیمون این بود که وجود تفکر مخالف در افسران به بچه ها کمک می کنه و کسی که از بیرون آمد و افکار و حرفهای متفاوتی داشت رو نباید فورا بیرونش کنیم و به این آدم تا وقتی به قانون افسران پایبند باشه اجازه حضور در سایت رو میدهیم . پس اگر کسی اینطوری بیاد اصلا چیز بدی نیست مثلا اون کاربری که از سرزمین های اشغالی آمد مطالبی رو مطرح کرد و باعث شد کاربران افسران به

مصاحبه با کاربر Hojjat

تحرک بیفتند و بیشتر محک خوردند و من انتظار داشتم بچه ها در مواجهه با اون خیلی بیشتر از اینها فعالیت داشته باشند و محتوا تولید کنند ولی آیا اگر اون کاربر می آمد و به ارزش های ما توهین می کرد و قانون افسران رو زیر پا میگذاشت ما بهش اجازه فعالیت میدادیم ؟ نخیر اجازه نمیدادیم . نکته بعدی هم اینه که خود کاربران سایت هم نباید در مواجهه با این نوع ورودی ها قانون رو زیر پا بگذارند که در اینصورت با اونها هم مطابق قوانین سایت برخورد خواهد شد و این به معنای حمایت از کاربر غیرهمفکر نیست .

وجود تفکر مخالف در افسران به بچه ها کمک می کنه و کسی که از بیرون آمد و افکار و حرفهای متفاوتی داشت رو نباید فورا بیرونش کنیم و به این آدم تا وقتی به قانون افسران پایبند باشه اجازه حضور در سایت رو میدهیم

تعریف شما از عبارت «فرهنگ افسرانی » چیه ؟ اصلا چنین چیزی بطور خاص وجود داره؟

یکی از نقاط ضعف ما اینه که در حوزه مدیریت رسانه اجتماعی دانش زیادی وجود نداره که این موضوع در ایران به صفر میل میکنه.اینو از جایگاه کسی که داره دکترای مدیریت رسانه می خونه و بطور تخصصی در رسانه های اجتماعی فعالیت می کنه عرض می کنم . در دانشگاه ما هیچ دانشی در رابطه با مدیریت جوامع مجازی وجود نداره . من یک سری تحقیقات هم کردم متاسفانه چیزی که به درد مدیر جوامع مجازی بخوره در مباحث بین المللی هم نیست یا به ندرت پیدا میشه یعنی کلی منابع رسانه اجتماعی داریم ولی غالبا تحلیل خود رسانه های اجتماعی یا تاثیری که رسانه اجتماعی روی موضوع دیگر داره هست اما تعداد مقالاتی که برای مدیریت جوامع مجازی باشه از انگشتای دوتا دست هم کمتره !

یکی از سختی ها همینه که باید خودمون در این فضا دانش تولید کنیم که الحمدلله یکی از کارهایی که شروع کردیم همین تولید دانش هست و سعی می کنیم که مکتوبش کنیم . این عبارت فرهنگ جوامع مجازی عبارتی هست که خودمون درست کردیم و من قبلا ندیدم جای دیگری وجود داشته باشه . با این دیدگاه که جامعه مجازی هم بالاخره یک جامعه هست و خیلی از پارامترهای جوامع حقیقی رو دارند ،شروع کردیم به تولید ادبیات . مثلا راجع به فرهنگ جوامع دانشگاهی مطلب وجود داره و کار شده ، راجع به فرهنگ سازمانی مطلب وجود داره ولی راجع به فرهنگ جوامع مجازی چیزی وجود نداره . تعریف کلی این فرهنگ هم یعنی یک سری ارزش ها و باورهایی که بین افراد جامعه مشترک هست، نهادینه شده و گاهی در قالب بعضی نمادها خودشو نشون میده . در افسران شروع کردیم به تحقیق که این باورها رو استخراج کنیم . البته یه سری مواردش کاملا مشخصه . مثلا بدیهیه که در افسران دغدغه فعالیت در جنگ نرم از همه جا بیشتر هست . تعداد بسیار زیادی از کاربران افسران برای سرگرمی وارد این سایت نشده اند و دنبال فعالیت کردن هستند ولی در جوامع مجازی دیگر خیلی اینطور نیست . اینکه در افسران تولید محتوا کردن یک ارزش محسوب میشه و اگر کسی محتوا تولید کنه خیلی ها ازش تشکر و تقدیر می کنند و مطلبش بیشتر دیده میشه اینها یعنی همون فرهنگ افسران. فرهنگ یعنی چیزهایی که در جامعه ارزشه . در افسران این چیزها خیلی ارزش هست و در جوامع دیگه اینقدر پررنگ نیست . به هرحال طی یک کار مفصل داریم مولفه هاشو استخراج می کنیم که ان شاء الله شاید بعدا بشه در قالب مقاله هم ارائه داد .

آیا این عبارت «افسران قدیم ارزوست..» که هرچندوقت یکبار توسط کاربران گفته میشه به خاطر تغییر فرهنگ افسران هست ؟ آیا اصلا به افسران قدیم و جدید اعتقادی دارید ؟

بله ... اینکه به مرور زمان در هرجایی تغییرات بوجود میاد طبیعی و ناگزیرهست ولی اینکه افسران در قدیم وضعش بهتر بوده یا الان به نظرم خیلی نمیشه گفت چون اگر بخواهیم وضعیت رو تحلیل کنیم باید ۳۰ - ۴۰ مولفه رو همزمان درنظر بگیریم و این مولفه ها را نسبت به قبل مقایسه کنیم و ببینیم کدومش بهتره . من اعتقاد ندارم که در مجموع این ۳۰ - ۴۰ تا مولفه ، افسران ضرر کرده اما قطعا در برخی مولفه ها تنزل داشتیم این مولفه های فرهنگی که گفتم قبلا خیلی پررنگ تر بوده یک مدت کم رنگ شد ولی الان هم با تلاش کاربران خوب افسران و تا حدی تلاش های مدیریت دوباره داره پررنگ تر میشه .

یکی از کارایی که در این موضوع داریم انجام میدیم راه اندازی گنجینه هست . فلسفه راه اندازی گنجینه ، بها دادن به تولید محتوا ست . در آینده هم می خواهیم کاری کنیم که محتوای گنجینه خیلی بیشتر دیده بشه . اینها نگه داشتن ارزش هاست . در برخی مولفه ها هم رشد داشتیم مثلا اینکه ۱۰۰ نفر بشینیم با هم حرف بزنیم یک تاثیری داره و اگر روزی ۲۰۰۰ نفر لاگین کنند یک تاثیر دیگه داره . باید سعی کنیم در مواردی که تنزل داشتیم به سطح قبلی برگردیم و حتی بهتر هم بشیم و این کاملا شدنی هست و خود کاربرها باید انجامش بدن . مسئله دیگر این هست که وظیفه مدیر شبکه اجتماعی وظیفه اینقدری که بچه ها فکر میکنند نیست .

بدیهیه که در افسران دغدغه فعالیت در جنگ نرم از همه جا بیشتر هست . تعداد بسیار زیادی از کاربران افسران برای سرگرمی وارد این سایت نشده اند و دنبال فعالیت کردن هستند ولی در جوامع مجازی دیگر خیلی اینطور نیست . اینکه در افسران تولید محتوا کردن یک ارزش محسوب میشه و اگر کسی محتوا تولید کنه خیلی ها ازش تشکر و تقدیر می کنند و مطلبش بیشتر دیده میشه اینها یعنی همون فرهنگ افسران

شما شبکه های اجتماعی دیگر رو ببینید. مدیران هیچکدام از آنها به اندازه ما ورود پیدا نکردند و ورود ما از همه شبکه های دیگر بیشتر هست . البته قبول دارم این موضوع به خاطر ماهیت افسران هست اما این مطالباتی که از مدیریت افسران میشه رو خود کاربران می توانند خیلی راحت تر با ابزارهای موجود انجام بدن . خیلی ها غر میزنن که چرا فضای افسران اینطوری شده ؟! درحالیکه خود همین ادمهایی که غر میزنند به محتواهای بی کیفیت رای میدن . بالاخره این محتوا که ۱۰۰ تا ۲۰۰ تا رای میاره همینطوری که رای نیاورده ، خود شماها این کار رو کردید ، یا باید بهش منفی میدادید یا محتوای باکیفیت رو رای میدادید . در این بحث ها ورود ما خیلی زیاد بوده درحالیکه خود کاربرها می توانند حلش کنند . باید اینها رو فرهنگ سازی کرد مثلا منفی دادن باید خیلی راحت تر انجام بشه و نباید توهین محسوب بشه . یک عده می گفتند اصلا منفی رو حذف کنیم که این پاک کردن صورت مسئله بود و من اینو قبول ندارم و به

نظرم یکی از نقاط قوت افسران همین وجود رای منفی هست .

گروه ها در سایت چه جایگاهی دارند ؟

یکی از نقاط قوت افسران گروه ها هست . الان گروه های خیلی خوبی در سایت داریم که درحال فعالیت هستند و اتفاقا ۸۰ - ۹۰ درصد اصل اون جنگ نرم هم در گروه ها داره اتفاق می افته . یکی از وظایف خودمون می دونیم گروه هایی که دارند خوب فعالیت می کنند رو بیشتر معرفی کنیم و به کاربران ارائه شون بدیم و کمکشون کنیم . بعضی گروه ها بودند که کمک خارج از افسران از ما خواستند که تا جایی که تونستیم براشون انجام دادیم . برای معرفی کارهاشون هم کم نگذاشتیم چه به صورت شخصی و با کاربری خودم چه با ابزارهای مدیریتی که داریم . همه گروه ها خوب نیستند ولی بار اصلی افسران در جنگ نرم رو گروه ها متحمل میشن . تقریبا ۱۰ - ۱۵ گروه خوب در افسران داریم .

باید قدر کارایی که در افسران میشه را دانست مثلا یک چیزی مثل نشریه افسران را در هیچ شبکه اجتماعی داخلی ندیدم . نمیگم وجود نداره ولی من ندیدم حداقل . یک چیزی مثل رادیو افسران یک کار بسیار بسیار بزرگ و شاخصی هست که داره انجام میشه . اینکه برنامه رادیویی داره تولید میشه . ۱۰ - ۱۵ نفر که در جاهای مختلف کشور هستند باهم می نشینند و کار می کنند . نمایشنامه داره برنامه شون و از این بحثها .. باید قدر اینها رو بدونیم و اینها داره در گروه ها اتفاق میافته . گروه شفق و گروه فریم دو تا از بهترین گروه های افسران هست . کانون نویسندگان همینطور .. خنده حلال به نظرم کم فروغ شده . افسران گرافیست گروه خیلی خوبی هست فعالیت های خیلی خوبی درش انجام میشه .. گروه ترنج گروه خیلی خوبیه و داره فعالیت میکنه . به نظرم اصل اتفاق مورد نظر ما در این گروه ها می افته .

امتیاز و شاخص فعالیت گروه ها با هر فرمولی که هست خیلی روی دیده شدن گروه های خاص تاثیری نداره آیا این ضعف افسرانه یا ضعف فعالیت گروه ها ؟

ببینید چندتا مسئله است : گروه هایی وجود دارند که یک سری آدم با عقاید شبیه هم دارند توش کار میکنند . اینها تونستند کلی آدم جمع کنند و باهم کار کنند ، این قوت مدیر اون گروه هست و این ایراد نداره . گروه هایی که گرایش های سیاسی مختلف دارند ، گروه هایی که روی یک موضوع تمرکز دارند ... اینها نقطه قوت هست و نقطه ضعف نیست . اما در ارائه گروه های برتر ، آمار ما کیفی نیست بلکه کمّی هست . شاخص های ما می خواد بگه چه جامعه خوبی شکل گرفته .. تعداد آدمهاش چقدر هست .. تعامل این آدمها با همدیگه چقدر هست ... محتواهایی که میگذارند چقدر مورد قبول واقع میشه .. اما ما باید کاری کنیم که گروه های کیفی هم معرفی بشن . برای این کار ابزاری مثل گنجینه درست شده و مدیریتش هم غالبا در اختیار مدیران همان گروههای کیفی است. خود ما هم با ابزارهای شخصی که در اختیار داریم سعی می کنیم این کار رو انجام بدیم.

در این مرحله جا داره از تاسیس کانون نویسندگان هم تشکر کنم . گروه کانون نویسندگان که راه افتاد به نظرم تا همین الان تاثیر جدی داشته روی محتواهایی که تا قبلش ۵ یا ۱۰ تا رای داشت و رسیده به ۳۰ - ۴۰ تا رای . این خیلی اتفاق خوبیه . این محتواها جزء محتواهای غنی افسران هستند و جزء محتواهایی هستند که باید تولید و دیده شوند . ان شاء الله در تغییرات بعدی یک کمک جدی به این محتواهای تحلیلی خواهیم داشت تا بیشتر از این دیده شوند .

باید قدر کارایی که در افسران میشه را دانست مثلا یک چیزی مثل نشریه افسران را در هیچ شبکه اجتماعی داخلی ندیدم

چرا برای ممانعت از موازی کاری هیچ نظارتی روی تایید گروه ها وجود نداره؟

در بحث گروه ها دوتا رویکرد وجود داره : رویکرد اول اینکه گروه ها رو خیلی سفت و سخت بگیریم و به این راحتی اجازه تاسیس گروه ندهیم که این کار معایب و هزینه های خودش رو داره . دوم اینکه اجازه بدیم گروه ها با هم فعالیت کنند ، رقابت کنند و هر گروهی که تونست بیشتر کار کنه ، موفق تر باشه. افسران شبکه اجتماعی هست و ما باید سعی کنیم تا جایی که میشه دخالت مدیریت به حداقل برسهو فقط در موارد ضروری صورت بگیره .

ببینید مثلا ممکنه یک گروهی خیلی خوب نباشه ولی کاربر دیگری می خواد با انگیزه بیشتر و دانش بیشتر گروهی مشابه اون گروه ایجاد کنه ما نمی تونیم به اون بگیم حتما برو تو گروه قبلی ! شاید اصلا اختلاف نظر جدی باهم داشته باشند .. پس اینکه مدیریت در این سطح بیاد دخالت کنه من اعتقاد ندارم . به نظرم اگه گروه ها اون قوانین اصلی رو رعایت کنند و تخلف نداشته باشند اجازه فعالیت بهشون بدیم .

البته این مسئله هم هست که معمولا کاربران هنگام تشکیل گروه ، گروه های قبلی رو بررسی نمی کنند که ببینند چنین گروهی هست یا نه و این باعث میشه گروه های موازی تشکیل بشه .

برای ساماندهی بخش برگزیده ها برنامه ای دارید ؟ چون معمولا با لینکهای نه چندان جالب پر میشه !

در بحث برگزیده ها با تغییر تعداد آرای لازم برای برگزیده شدن ما میتونیم مدیریتمون رو انجام بدیم. چند وقت پیش تغییراتی در «تعداد آرا برای برگزیده شدن» در افسران انجام دادیم که اتفاقا مقاومت شد ولی تقریبا اغلب افرادی که مقاومت کردند بعدا به این نتیجه رسیدند که تصمیم درستی بوده. یکی از سختی های کار در افسران این هست که هر کاری می کنید خیلی ها مقاومت می کنند. یک سری این گروه. یک سری آن گروه. با انگیزه های مختلف.

تغییر آرای برگزیده شدن تاثیر جدی داشت در این فضا و کار دیگری که باید بکنیم این هست که کاربرها را به رای دادنشون حساس کنیم. این خیلی مهمه. عرض کردم اصل اتفاق ها در افسران توسط کاربرهاست. ابزارهای مدیریت خیلی ابزارهای محدودی است. کاربران ابزارهای زیادی دارند که خوب استفاده نمی کنند و اگر از این ابزارها خوب استفاده کنند ۹۹ درصد مشکلات افسران بر طرف می شود. در بخش برگزیده ها کاربرها باید خیلی خوب و دقیق رای بدهند. این خوب رای دادن کمک می کند به اینکه چه محتوایی برگزیده شود و چه محتوایی برگزیده نشود. رای دادن به مطلب، پیام به کاربر است که رفتارش رو تکرار کنه یا نکنه. رفتار او رو تقویت یا تضعیف می کنه.قتی رفتار تقویت می شود بیشتر تکرار می شود و وقتی تضعیف می شود کمتر تکرار می شود.

در مسئله رای دادن برای برگزیده شدن برخی از کاربرها هستند که لینک های سایت خود را می گذارند و کاربری های متعددی هم دارند که به وسیله آنها لینک رو برگزیده می کنند و در حاشیه امنی هم قرار گرفته اند. اینجا باید چه کار کرد؟

من یک نکته رو بگم که مسئله مولتی یوزر چند نکته منفی دارد. یکی اینکه کاربرها می گویند به ما منفی میدن ! اینجا مهمترین کار

اینـه که حساسـیت کاربرهـا به منفی پایین بیاد. منفـی بخوردند مگـه چه اتفاقی مـی افته؟ طوری مـی نویسـند منفـی خوردیـم کـه انـگار گلولـه خوردنـد!! خـود مـن در برهـه هایـی هـر مطلبـی مـی گذاشـتم تعـدادی کاربـر منفـی مـی دادنـد. مـن بـه انـدازه یـک هفتـه، دو هفتـه بـه ایـن کار توجهی نکردم تا پشـیمون شـدند و ادامـه ندادند.

اینجـا مهمـترین کـار اینـه کـه حساسیت کاربرها به منـفی پایین بیاد. طـوری می نویسـند منفی خوردیم که انگار گلوله خوردند!!

پـس اصـل کار بـی توجهـی و گـزارش دادن بـه مدیریـت اسـت. گزارش بـه مدیریت هـم به معنی جـار زدن و هـوار زدن در سـایت نیسـت. اگـر این اتفـاق رخ بـده ۹۰ درصـد کار حل شـده اسـت. یـک بخـش کار هـم دسـت مـا اسـت. مـا یـا باید در ایجـاد کاربـری سـخت بگیریـم یـا بعـد بیاییم نظـارت کنیـم. نظـارت بعـد یعنـی اول اتفاقـی بیفتـه بعـد مـا اقـدام کنیـم. مـا در منابع انسـانی هـم محدودیـت داریـم و نمـی تونیـم هـر اتفاقـی افتـاد در مـدت کوتاهـی واکنـش نشـون بدیـم. کاربرهـا باید صبرشـون رو بیشـتر کنند مـا هم از ایـن طـرف کارمـون رو انجـام میدیـم.

نکتـه دیگـه اینکـه داریـم بـرای کاربـران مولتـی یـوزر سیسـتم جدیـدی مـی نویسـیم کـه دسـت مـا رو خیلـی بـاز می کنـه . در این مسـئله هم ما تاکیـد داریـم اگـر واقعـا معلوم شـد کاربـر مولتی یـوزر اسـت برخـورد کنیم نه براسـاس شـک . اگر بخواهیـم بر اسـاس شـک عمـل کنیم بایـد تعداد زیـادی کاربر بسـته شـوند!

امـا ایـن بحـث کـه کاربـری هـای مولتی یـوزر به خودشـان رای مـی دهند، این سـمت ماسـت و ما بـا سیسـتم جدیدمـان خیلـی راحـت تـر میتونیم عمـل کنیم.

آیـا بـالا رفتـن عـدد رای بـرای برگزیـده شـدن لینـک هـا باعـث تبلیغ هـای خارج از عـرف در افسـران نشـده ؟

ایـن کارهـا جزء فرهنـگ افسـران نیسـت. یکی از عواملـی کـه فرهنـگ فضـای مجازی رو می سـازه شـبکه هـای اجتماعی دیگـر هسـت. بالاخره نمی تـوان گفـت کسـی کـه قبـلا فیس بـوک بـوده به افسـران نیـاد. ایـن هـا بـا همـون نـگاه مـی آیند و فعالیـت مـی کننـد. اونجـا رفتارهایـی متـداول هسـت امـا مطلـوب مـا نیسـت. مثـلا عکـس آقـا رو مـی گـذاره و مـی نویسـه هـر کـی دوسـتش داره مثبـت بـده !! یـا حتـی «هـر کی مثبـت نده دسـتش بشـکنه» !! در ایـن مـوارد مـن حتمـا منفـی داده ام. بـه عکـس آقـا یـا محتـوای خـوب کـه منفـی نـدادم به نـوع رفتـار کاربر منفـی داده ام. مطمئـن باشـید اگـر در ایـن موارد بـی تفاوت باشـیم و حتـی مثبـت بدیـم بعـدا دچـار مشـکل میشـیم. در ایـن فضـا کاربرهـا بایـد وارد شـوند و از فرهنـگ افسـران در مقابل فرهنـگ های بیگانه حراسـت کننـد.

بعضـی هـم از دسـته بندی اشـتباه بـرای برگزیده شـدن سـریع تر اسـتفاده مـی کننـد!

اینهـا رو بایـد کاربـران دقـت کننـد. الان روزانـه ۱۵۰۰ تـا ۲۰۰۰ لینـک وارد افسـران مـی شـود و مـا آدمـی نداریـم که همـه اینهـا رو بررسـی کنه. نظـارت بایـد سـمت کاربرها بـرود. البتـه در بحث دسـته بندی کار سـختی هسـت. قبول دارم اینکه کاربرهـا چـک کننـد و بعد رای بدن ، کار سـختی هسـت. امـا نبایـد اینطور باشـه کـه این اتفـاق ها بیفته .

عکـس آقـا رو مـی گـذاره و مـی نویسـه هـر کی دوسـتش داره مثبـت بـده ! یـا حتـی «هـر کـی مثبـت نده دسـتش بشـکنه» !! در ایـن مـوارد مـن حتمـا منفـی داده ام

اشاره کردید برای برخی از اقدامات با مقاومت کاربرها رو به رو شدین ، برخی از کاربرها انتظار دارندیک سری از اقدامات با نظرسنجی انجام بشه . نظر شما چیه؟

در حـوزه تغییـرات برخـی از مـوارد کارشناسـی سـت. مـا بـه کار کارشناسـی اعتقـاد داریـم. پس در ایـن زمینـه هـا مـا حتمـا بـه نظر کارشناسـان رجـوع مـی کنیـم. امـا در برخـی از زمینـه هـا موضـوع اصـلا کارشناسـی نیسـت. بلکـه سـلیقه ایـه. در ایـن مـوارد مـی تونیـم بـه فـرض ، نظـر کاربرهـا رو ارزیابـی کنیـم. ایـن هم بـه معنی این نیسـت کـه رفرانـدوم بگذاریـم!

مـی تونیـم از ابزارهـای مختلـف نظـر کاربرها رو ارزیابـی کنیـم. همانطـور کـه تـا الان بارهـا ایـن کار رو کـرده ایـم. مطمئـن باشـید اگر بـرای همه کارهای افسـران میخواسـتیم نظرسـنجی داشـته باشـیم افسـران دچـار شکسـت مـی شـد. چـون کاربرهـای مختلفـی داریـم : از ۱۶، ۱۷ سـاله تـا ۵۰ سـاله. هـر کـدوم از اینهـا در یـک زمینـه ای تخصـص دارنـد. بنابرایـن نظـری کـه در ایـن فضا گرفتـه میشـه نظـر درسـت و دقیقـی نیسـت. مـا تاکیـد داریـم تـا جایـی کـه میشـه دنبـال نظـر کارشـناس باشـیم. بعـد از ایـن مـوارد ، جایی که مربـوط بـه سـلیقه شـد بـه سـراغ کاربرهـا مـی رویم.

آیـا میشـه امیـدوار بـود کـه روزی مشـکلات فنـی سـایت تمـوم بشـه ؟

مشـکلات فنـی چندتـا دلیـل داره . یکیـش محدودیـت هـای زیرسـاختی هسـت یکـی محدودیـت هـای مالـی بعـلاوه دانـش مـا هـم در بحـث فنـی محـدود هسـت . ایـن محدودیـت هـم لزومـا بـرای مـا نیسـت . خیلـی از تیـم های داخلـی (تقریبـا همـه تیـم هـای داخـل کشـور) ایـن محدودیـت رو دارنـد و تـا جایی کـه میدونم فقـط یـک یـا دوتـا شـبکه اجتماعـی هسـتند که مشـکلات فنـی شـون زیـاد نیسـت . مـا داریـم دانشـمون رو بالاتـر مـی بریـم و زیرسـاخت هـای مناسـبی فراهـم مـی کنیـم .

داریـم تمـام تلاشـمون رو میکنیـم کـه نـرخ خطاهـا رو پایـین بیاریـم شـما مطمئـن باشـید بـزودی افسـرانی کـه مـی بینیـد اوضاعـش از امـروز خیلـی بهتـر خواهـد شـد ولـی اینکـه ایـن خطاهـا صفـر بشـه چنیـن اتفاقـی نخواهـد افتاد.

در بهتریـن شـبکه هـای اجتماعـی هـم اینطـور نیسـت در فیسـبوک و پـلاس هـم ایـن مسـائل رو داریـم . ایـن وعـده رو بـه کاربـران میـدم کـه ان شـاء الله در آینـده نزدیـک خدماتـی رو ارائـه خواهیـم داد کـه از نظـر کیفیـت مباحـث فنـی قابـل رقابت با شـبکه هـای اجتماعی بیـن المللی باشـد .

پایان بخش اول

اگـر مـی خواهیـد بدانیـد : چـرا برخـی مسـئولین فعـال در فضـای مجـازی بـه افسـران نمـی آینـد ؟ محتـوای خـوب و برنامـه مدیریـت بـرای حمایت از محتواهای تولید شـده چه هست ؟ چطور با شـهید احمدی روشن آشنا شدند ؟ قـرار افسـرانی و اطلاعـات مفیـد دیگـر ...

بخـش دوم مصاحبـه را در شـماره بعـد بخوانید

چند مسـئله دربـاره روزه

۱.تزریق آمپول در حال روزه:

الف)تزریق هیچ نوع آمپول مبطل روزه نیست.
آیات عظام:اراکی،تبریزی،خویی،سیستانی،صافی،گلپایگانی،نوری
ب)فقط آمپول تغذیه ای بنابراحتیاط واجب جایز نیست.
آیات عظام:امام خمینی(ره)،مکارم،زنجانی
ج)باید از آمپول تغذیه ای اجتناب کند.
آیت الله بهجت(ره)،آیت الله فاضل(ره)
د)آمپول تغذیه ای و تقویتی و آمپولی که در رگ تزریق میشود بنابراحتیاط جایز نیست.

امام خامنه ای
س ۷۶۷: نظر شریف جنابعالی درباره تزریق آمپول و سایر تزریقات نسبت به روزه‌داران در ماه مبارک رمضان، چیست؟
ج: احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از آمپول‌های مقوّی یا مغذّی و هر آمپولی که در رگ تزریق می‌شود و نیز انواع سرم‌ها خودداری کند، لکن آمپول‌های دارویی که در عضله تزریق می‌شود و نیز آمپول‌هایی که برای بی‌حسّ کردن به کار می‌رود، مانعی ندارد.

۲.حکم روزه مسافر:

الف)به سفر رفتن(آغاز سفر):
۱.قبل از ظهر به سفر می رود:وقتی به حد ترخص رسید،روزه اش باطل می شود و اگر قبل از آن روزه را باطل کند،
بنابر احتیاط واجب باید کفاره بدهد.
۲.بعد از ظهر به مسافرت می رود:روزه اش صحیح است و نباید آن را باطل کند.

ب)از سفر برگشتن(پایان سفر):
۱.قبل از ظهر به وطن یا جایی که بنا دارد ده روز بماند برسد:
*۱.اگر کاری که روزه را باطل میکند،انجام نداده است؛باید نیت روزه کرده و روزه ی آن روز را تمام کند و صحیح است.
*۲.اگر کاری که روزهرا باطل کند انجام نداده است؛ روزه ی آن روز بر او واجب نیست و باید قضای آن را بجا اورد.
۲.بعد از ظهر برسد:روزه اش باطل است و باید قضای آن را بجا آورد. *توضیح المسائل،م۱۷۲۳،۱۷۲۲،۱۷۲۱،۱۷۱۴
-در برگشت از سفر،رسیدن به حد ترخص، برای روزه اثری ندارد؛بنابراین اگر پیش از ظهر به حد ترخص برسد ولی هنوز به وطن یا جایی که میخواهد ده روز بماند نرسیده ظهر شود،نمیتواند نیت روزه کند.

سوال: سجده کردن در برابر ضریح چه حکمی دارد؟

ج: سجده کردن به عنوان عبادت و بندگی، فقط در مقابل خدا ممکن است؛ زیرا سجده نهایت خضوع است و مختص کسی است که در نهایت کبریا و عظمت باشد. اگر سجده برای غیر خدا باشد، معصیت و حرام است،

با این حال اگر سجده برای شکر و خضوع در برابر خدا باشد، مانند سجده ملائکه برآدم علیه السلام و برادران یوسف علیه السلام بدون اشکال است.

سید کاظم یزدی سجده ی برخی از مردم نزد قبر ائمه معصوم علیهم السلام را اشکال می داند، مگر آنکه قصد آنان «سجده ی شکر باشدکه موفق به زیارت شده اند.»

به فتوای برخی فقها چنین سجده شکری «اجر هم دارد.» امام خمینی در اینباره می نویسد: «سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام است و بعضی از مردم عوام که مقابل قبر امامان علیهم السلام پیشانی را به زمین می گذارند،اگر برای شکر خداوند باشد، اشکالی ندرد؛ وگرنه حرام است.» البته این سجده نباید به گونه ای باشد که در نظر سایر مردم،برای امام جلوه کند.

منبع: آداب زیارت/نوشته : محمدباقر پورامینی
فرستنده : ghalandar

آرام قدم بردار
مراقب باش
غبار قدم زائر بر زمین است
سرفرو انداز و ببین
پا نگذاری
بر جای قدوم عطر آگین اش
بالِ پرواز دارد
و طواف می کند
و تو دو چشم تر داری
و نگاه می کنی!
*
إذن بگیر و روانه شو
حواست باشد
سنگ فرش مقدس اش
مَقدَم عباد صالح عصور است
آسمانش مطاف ملائک است
جای جای زمین اش
مَهبِط عرشیان است
بال گسترانیده اند
و فرش کرده اند
آیا تو پاک کرده ای؟
آماده ای برای دیدار؟
*
غوغایی برپاست
همه می ستانند از خان کَرَم
تو نیز دل بگشا و بطلب
از واسطه فیض تو نیز بخواه
تا نشانت دهد
حلقه اتصال زمین و آسمان کیست
نمی دانم توجه ات به اوست
یا به کاشی و آیینه و گچبری؟!
حواست به هر کدام است
از همو هم خواهی گرفت
از آنها هیچ چیز
و از او همه چیز...

شاعر: Mahdiyar7

سنگ صبور بی کسی من ، حبیب من
شمش الشموس وادی طوس ای غریب من
ای عشق من زیارت تو جای خود ولی
کی می شود زیارت جدت نصیب من

یک عمر پای پنجره ات قفل ها زدم...
با صد امید بر در این خانه آمدم
عادت شده فقط ز تو حاجت طلب کنم
این بار هم به حرمت سقا نکن ردم

ساقی رضا شود که مرا هم رضا کنی؟
یک شب برای بی سر و پاها دعا کنی؟
از آن نگاه های خدایی به من کنی
یک کربلا برای دلم دست و پا کنی؟

من را رضا اگر نکنی گریه می کنم
بر من دعا اگر نکنی گریه می کنم
جان خودت که خسته شدم ، قسمت مرا
کربوبلا اگر نکنی گریه می کنم

یک کربلا بده همه ی هستی ام بگیر
یک کربلا بده به من اصلا بگو بمیر
یک کربلا بده طلبت بیشتر بکن...
یک کربلا به راه خدا بر من فقیر...

آقا برای کربوبلا زار می زنم
از فرط هجر کربوبلا جار می زنم
این آخرین امید دل خسته ی من است
دست طلب به نام علمدار می زنم

آقا تو را قسم به علمدار کربلا
آقا به احترام سپهدار کربلا
جان عمویتان نکنی نا امیدمان
ما را ببر به همره زوار کربلا ...

شاعر : senator0011

آیت الله جوادی آملی دامه برکاته:

پیامبرصلی الله علیه و آله سفارش کرده که برخی ذکر ها را زیاد بگوییم. یکی از این اذکار دعای «الهی لاتکلنی الی نفسی طرفه عین ابدا» و دیگری دعای «یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک» است. ما هر چه می کشیم از خودخواهی و غرور است.

نفس ما امیری دارد که ما را به زشتی دعوت می کند ... عزل کردن این امیر و جایگزین کردن امیر خوبی جای آن ، جان کندن می خواهد چون نوعی جنگ است مانند این که ما نظام سلطه را برداشتیم و نظام اسلامی را جایگزین آن کردیم.

ما گرفتار یک نظام سلطه درونی هستیم لکن کسی را می خواهیم که امّار به حسن باشد و آن عقل و فطرت است. برای برداشتن این امیر به بدی و جایگزین کردن عقل و فطرت نیازمند جهاد هستیم که کار آسانی نیست برای همین در همه مراحل باید دعای «الهی لاتکلنی الی نفسی...» را زیاد بخوانیم.

در مبارزه با نفس اگر تنها باشیم پیروز نخواهیم شد راز این که گفته اند «یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک» را زیاد بگویید همین است چون جهاد نفس دائمی است چرا که ما دشمنی داریم که معادل ندارد...

وقتی می گوییم یا مقلب القلوب و الابصار، این زیر و رو کردن نیاز به ابزار و مصالحی دارد که خداوند آن را به ما معرفی کرده است. خدا فرموده ما ساختار اولیه شما را با طهارت و طیب آفریدیم ولی شما آن را به هم زدید حال اگر می خواهید دوباره آن را برایتان بسازم مصالح لازم آن را که عبارت است از توبه، عبادت، خدمت به مردم و ... بیاورید.

این دعای «یا مقلب القلوب» اختصاصی به تحویل سال ندارد و در همه حال ها و زمان ها باید خوانده شود . ما در اطراف خودمان انسان بی دست و پا کم می بینیم ولی خدا می گوید انسان های با دست و پا خیلی کم هستند چرا که دستی که نتواند خدمت کند، تولید علم کند و از دیگران دستگیری کند دست نیست. خداوند می گوید ابراهیم دارای دست است چون دستی که تبر به دست نگیرد و بت نشکند دست نیست. می فرماید ابراهیم چشم دارد چون با آن به توحید رسید. خدا با فراز «اولی الایدی و الابصار» از ابراهیم تعریف می کند و ما هم چنین اعضا و حال و احوالی را از خدا می خواهیم.

afsarejavan

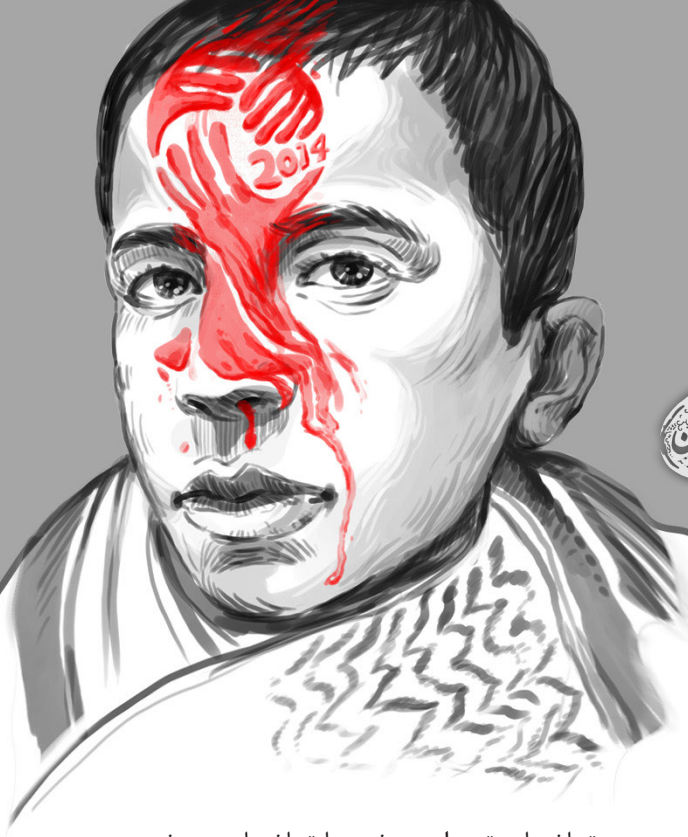

غزه در جنگ

بـی تماشـای تـو ایـن شـبها تماشـا مـی شـود
غـم میـانِ سـینه ام هـر لحظـه پیـدا مـی شـود

از تبـارِ قـدس امـا، رنـج و درد و خـون و آه
بـا چـه احساسـی شکسـتن هـا تماشـا مـی شـود؟

جـان میـان آتـش و تـن هـا بـه زیـرِ انکسـار
پشـت ایـن تصویرهـا تشـویش معنـا مـی شـود

غـزه هـر شـب خـون و جنـگ اسـت، و عـرب
در میـانِ خـواب نـاز، و زخـمِ دلهـا مـی شـود

سـازمانی کـه حقوقـش را بشـر نامیـده انـد
در تـنِ اجسـادِ غـزه، تیـرِ رسـوا مـی شـود

زیـرِ بمـب بـاران، مـی لـرزد هـزاران قلـبِ شـیر
آن طـرف بـا زوزه ی گـرگان تماشـا مـی شـود

مـردم غـزه در ایـن شـب هـا چـه «قـدر»ی داشـتند!
گاه آنجـا، بـا زبـانِ روزه احیـا مـی شـود!

جـای قـران بـر سـرش یـک آیه کـودک می گذاشـت
ذکـرِ ایـن آیـه «ربنـا تقبّـل» هـم مهیـا مـی شـود

آیـه آیـه سـوختند و بـاز هـم
در میـانِ قـومِ اسـرائیل حاشـا مـی شـود

ای بشـر تـا کـی تماشـا مـی کنـی؟
یـا تـو نسـیان مـی کنـی، یـا درد ادنـی مـی شـود

مـی رسـد یـک وعـده ی شـیرینِ افطـار، «غـزه» ام
چـون میـانِ ندبـه هـا مـردی تمنـا مـی شـود...

azadandish

پوستر بر اساس طرحی از محمود آزادنیا